

کارگران وزحمتکشان  
متحد شوید



کارگران وزحمتکشان  
تپاک ببيت

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران — سیستان و بلوچستان

صفحه ۲۴

اسفند - فروردین ۱۳۶۴

شماره - ۳۳

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
بمناسبت پانزدهمین سالروز تأسیس سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران و هفتمین سالروز قیام

مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۰ صفحه

### بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و وظایف ما (۶)

صفحه ۳

مسارزه همه جانبه بر علیه نوکران سگ  
سخت امپریالیسم بنام ملتطلب و چاکسران  
آنها در بلوچستان یعنی خوانین بلوچ و طبقة  
هر نیروی سیاسی است که استراتژی را رهائی  
زحمتکشان از بند شتم سرمایه داری و امپریا-  
لیسم قرار داده است. هر نیروی اندک آگاهی  
بر سر لوجه و تالیفات انقلابی خود مسیر پیگیر  
و بی امان بر علیه کارچای گنهای امپریالیسم  
را باید قرار دهد.

صفحه ۴

### جدال

### نوکران امپریالیسم

بر سر تقسیم غنائم

### در این شماره

۱ صفحه اخبار

۱۰ صفحه زن بلوچ

۱ صفحه ذوب آهن اصفهان



### پیام هیأت تحریریه رادیو صدای فدائی

آغاز فعالیت صدای فدائی و طولانی شدن  
دوره آزمایشی

صفحه ۱۲

کارگران وزحمتکشان  
مردم رزمنده و انقلابی ایران!

از مدت‌ها پیش سازمان چریکهای فدائی  
خلق ایران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
و استقرار یک جمهوری دمکراتیک را که در آن  
حداکثر آزادیهای سیاسی اجتماعی مردم زحمتکش  
میهن ما تأمین شده باشد به مثابه وظیفه  
فوری سیاسی در دستور کار خود قرار داده است

### سالی که گذشت

یک سال دیگر بر جنایات رژیم خمینی  
افزوده شد و یکسال از عمر ننگین جمهوری  
سفاکان کم عده در این یکسال توده‌ها بر تیر-  
بیا ترومره خود آموختند که باید متحشد  
غورده اسلحه بست بگیرند و مرد و مردانه  
بپاخیزند

صفحه ۲

### ۸ مارس روز جهانی

### زن را گرامی داریم

ضمیمه این شماره

پروشات اسلامی جمهوری ادبیت راجی دمکراتیک جمهوری



بر کارگران

و زحمتکشان

خجسته باد

بهاران



بهار بلوچستان از تفبادهای گرم دیری نمی‌پاید و سبزه‌ها سربرنگرده برشته می‌شوند. و چونان زحمتکشان بلوچ بزرگوارانی زحمت و ستم مضاعف و خم طبیعت‌جویانی و طراوت-زودگذری دارند. ای بس بهاران که بر سرزمین رنج و ستم و مبارزه بلوچستان و سراسر ایران گذشته است اما گرسنگان و ستمدیدگان بزیسر شایق طبقات حاکم طمع خوبی بهار را نچسبیده اند ای بس سالیان سال که طبیعت جامه خوبی نو کرده است و جامعه طبقاتی سراسر مبارزه و خون و آتش بوده است. شک‌های گرسنه و قلب‌های دردمند می‌بالی برای نادمانی ندارند بهار خلق بهار زحمتکشان روزی فرا میرسد که طبقات استثمارگر سرکوب شوند. و نشانی از سرمایه داری و سرمایه داره نشانی از خان و سردار و مالک بزرگ نباشد. روزی که هیچ شکمی گرسنه نماند هیچ کودکی بی‌مدرسه نماند روزی که هیچ فقری، تنهایی، مظلومی، نابرابری باقی نماند. روزی که تن رنج‌دیده زنان و کودکان و مردان فقیر بزرگ کار طاقت‌فرسای روزانه و تن فرزندان راستین و انقلابی خلق به زیر شکنجه و غلای مزدوران حکومتی و سرمایه‌داران نباشد روزی که شکنجه و فساد و دزدی و تنهایی و رشوه که زانیده سرمایه داری هشتاد و نهمه بسوزند یعنی روزیکه سرمایه داری از بیسین برود و به زیالهدان تاریخ افکنده شود. بهار خلق آنروز فرا می‌رسد. بهاری که با مرکب جنون ری اسلامی طلوع خواهد کرد. اینک بهار بر فطای خون‌آلود ایران و بزرگ چکمه‌های پاسداران سرمایه و در پشت دریاها زندان پژمرده می‌شود اینک بهار در میادین اعدام و تختهای شکنجه در بیدادگاه‌های رژیم و در جوخه‌ها تیرباران می‌شود. اینک بهار از جراثقلهای جمهوری در میادین شهر خلق آویز می‌شود. اینک بهار در پشت بلندگوه ای فریب و دروغ و تحمیل و در پیچ و خمهای دیکتاتورگی گم می‌شود. اینک هیولائی از گورستان تاریخ روزگار خلق را بدل به شب تاریک کرده است. روزگاری که بوی خوبی تغییر میدهد و مرکب جمهوری را در گوش بهار زمزمه میکند و صدای تغییر پیکر فرستوت سرمایه داران را بلرزه می‌آفکند. بهار با سرانگشتان پنبه بسته کارگران و زحمتکشان از راه میرسد. جمهوری اسلامی واژگون می‌شود و جمهوری دمکراتیک خلق برقرار میگردد. بهار آزادی بهار رهایی بهاری که می‌آید بهار کارگران و زحمتکشان خجسته باد.

## سالی که گذشت

هتوده‌های زحمتکش دریافتند که سگان ولگرد خمینی، پاسداران هار و ددمنه به دستور اربابان نشان چگونگی قلب زحمتکشان را بنام اسلام و بنام انقلاب و بنام خود آنها با تیرس و وحشت سرنگونی از هم می‌دورند. به لاف در یک سالی که گذشت مالی بود که ما شاهد درگیری های مسلحانه فراوانی از سوی مردم بلوچ بر علیه پاسداران ارتجاع بودیم. در چند سلسله درگیری مسلحانه در اطراف و پیرامون زاهدان عده‌ای از پاسداران کشته شدند. هر اطراف ایران و در سراوان مبارزات مسلحانه مردم همچنان ادامه یافت. گرچه این مبارزات به صورت خودانگیخته بود اما همین این واقعیت است که بلوچستان توان و ظرفیت بکارگیری تا کنونکلیای مسلحانه را دارد. گرچه این مبارزات تک‌جویی و پراکنده بود اما این واقعیت را ثابت نمود که پیش‌آهنگ می‌توانند حول آنها عده وسیعی از زحمتکشان را سازمان دهی و همچنان روحیات مبارزاتی را بالانگهدارد. مبارزات طبقاتی اقشار دیگر، دهقانان، کارمندان، دانش‌آموزان بصورت پنهانی و آشکار همچنان ادامه یافت. از سوی دیگر رژیم با شدت هرچه وسیعتر با بهره‌مندی و سفاکی تمام تلاش نمود که این مبارزات و اعتراضات را سرکوب کند. رژیم همراه نوکران دیگرش یعنی افراد خودفروخته بلوچ به عتایر پیچور و سلاح حملیه برد برای دستگیر و کشتن یک فرد مسلح لشکرکشی نمود. رژیم عمدتاً از تاکتیک محاصره عیان مقرر استفاده نمود و از این طریق عده‌ای از افراد مسلح را از پای درآورد. به خانه و کاشانه چادر نشینان به بهانه های گوناگون حمله ور شده فقر و سیه‌روزی، کمبود مایحتاج عمومی، ارزای، کمبود دارو، کمبود سوخت همچنان مشهود است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای برپا نگه داشتن جنگ ارتجاعی و خانما سوزی سیاست سربازگیری اجباری را برقرار نمود که جوانان بلوچ قاتل طعمه در مقابل آن ایستادند و از رفتن به جنگ امتناع ورزیدند. رژیم جمهوری اسلامی برای بست آوردن اعتبار از سترفته و پال‌یگاه بست‌نیارده اقدام به تامین دادن قاچاق فروشان و لپینها و دامن زدن اغلاقات و ناراضی‌ها قبیله‌ای و طایفه‌ای نمود که در این میان نیز جز رسوائی سودی حاصلش نگردید.

در آبانماه گذشته همچنین بامی استار وارد دومین سال انتشار مجدد خودی علی‌رغم نفعها و کمبودها و نقائصی که بامی استار دارد اما انتشار آن واقعیتی را بیان میدارد که فدائیان می‌توانند و باید تحت‌شرایط بیرونی مبارزه بر علیه سرمایه‌داری را برافراشته نگاه دارند. دوستان واقعی در روزهای سخت‌شناخته می‌شوند. معانان رهائی زحمتکشان

سربازان انقلاب و از خودگذشتگان در راه سبالیسم را هراسی از این روزهای اختناق و شکنجه و زندان و اعدام نیست بلکه آنها با درایت و هوشیاری راه ادامه‌کاری خود را درخواهند یافت. گرچه توانستیم بامی استار را انتشار بدیم اما ساده لوحانه خواهد بود که خیال کنیم وظایف ما بسرانجام رسیده است بلکه سطح فعلی بامی استار و فعالیت هوا داران بهیچ وجه بر ازنده فدائیان و غرور آفرین نیست. بامی استار باید به دست هر فردی که سودای مبارزه با رژیم سفاکان را دارد برسد. بامی استار باید نه چندان خبرنگار بلکه مجموعه‌ای از خبرنگاران و مجامع رزین را در هر شهر و هر روستا و هر محله و هر زن داشته باشد. بامی استار باید منعکس کننده خواسته‌های سیاسی و رهبری کننده مبارزات آنها باشد. بامی استار باید ریسمان سرخی باشد که اتحاد خلق بلوچ را با سایر خلقهای ایران و در راس آن طبقه کارگر راه عهده داشته باشد. گرچه در این زمینه گام برداشته‌ایم اما کافی نیست. باید به فعالیت مان بیفزائیم. در بالا بردن سطح تئوریه بدت بگوئیم. در این زمینه باید که تمام رفقاً برخوردار از انتقادی و جدی با مطالب بامی استار بنمایند. هر رفیق مؤثف است که در وظایف روزمره خودش برخوردار جدی و انتقادی و سازنده با بامی استار را جای دهد و انتقادات خود را ارسال دارد. هر رفیق باید بنماید یک خبرنگار و گزارشگر پرولتری در اسرع وقت اخبار مبارزاتی و مسائل توده‌ای را برای بامی استار ارسال دارد. رفقاً حتماً بایستد انتقادات خود را بنویسند و با پیگیری و کوشش و سرخشی یک انقلابی آنرا دنبال کنند. فراوانی نکنند که انتقاد یکی از برنده‌ترین سلاحهای ماست. مقاله‌ای که از آن انتقاد دارید، مصلحتی که بنظرتان نادرست می‌رسد، اخباری را که مناسب نمی‌دانید و هر انتقاد دیگری که دارید برای بامی استار ارسال دارید. مغلطت از فدائیان خلق نابخشودنی است و با این امر بامی استار را در پیشبرد وظایف انقلابی یاری رسانید. آری بامی استار در یکسال گذشته اخبار و گزارشات مبارزاتی زحمتکشان را نه تنها بگوش زحمتکشان بلوچ بلکه به مردم ایران و حتی ایرانیانی که در خارج از کشورمان هستند رسانده است. همچنین اخبار و گزارشات مبارزاتی زحمتکشان سایر خلقها را به اطلاع زحمتکشان بلوچ رسانید.

هرکجا بامی استار رفت در کنار آن نیرویات سازمان را نیز با خود برد. بامی استار میباید تمام مواضع و رهنمونهای الهی را از نشریات سازمان اتقاد کند و در واقع میلغ نظریات سازمان در منطقه سیستان و بلوچستان باشد.

بامی استار همچنان نوظئه‌ها و خیانتها ی خوانین و سلطنت طلب را تعقیب و آنها را افشا نموده است.



## بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و

### وظایف ما

#### جنبش کمونیستی در بلوچستان

در سالهای سیاهی که دیکتاتور پهلوی سایه غمناک را بر پهنشت میهنمان گسترده کرده هرگونه اندیشه ترقی جویانه و تحول پسندانه امکان بروز و رشد نمی یافت در آن سالهای تیره و سیاه که آزادی و دمکراسی به زندان کشیده شده بودند سازمانهای فوق العاده مخفی و انقلابی نظیر فدائیان خلق نیز امکان نمی یافتند که ارتباطی همه جانبه و گسترده با جویندگان راه رهایی برقرار کنند. عمده ترین نیروی جنبش کمونیستی ایران در آن زمان در سبزه برای بقا، و ماندن و تداوم و ادامه کاری صرف میشد و امکان نفوذ اندیشه های م - ل در منطقه بلوچستان علاوه بر دلیل حاکم بودن دیکتاتور پهلوی بدلیل عقب ماندگی نیروهای مولد و عدم شکل گیری روشنفکران در سطح وسیع سد شده بود. در بلوچستان پرولتاریای صنعتی متولد نشده بود. بافت طبقاتی عمدتاً خرده بورژوازی تعاقب می - عسایری بود. تحصیل کرده های بلوچ بیشتر از سطح دبیرستان پافرا تر می نهادند اولین جوانانی که بدانها راه یافتند از سال ۵۰ به بعد بود قبل از آن جوانانی از سیستان مانند رفیق فدائی شهید گلوی به دانشگاه راه یافته بودند که وی قبل از آنکه به منطقه بازگردد و آموخته های خود را بیاموزد - اند شهید عد. جوانانی انقلابی از دانشگاه - های کشور قبل از سال ۵۰ و بعد از آن به بلوچستان تبعید میشدند. این جوانان گرچه از محیط های آموزشی بدور نگهداشته میشدند اما آنها در همان محدوده ای که با آنها آموز - زان ارتباط می گرفتند یگانه ای مقاصد خود را مبنی بر مخالفت با حکومت بیان میداشتند. آنان با پخش کتابهای ضد پاره ای از جوانان بلوچ را تشویق به تفکر می کردند. وجود این دانشجویان تبعیدی آگاهانگاره بود. دانش آموزان فکر میکردند که گناه این دانشجویان چیست که از دانشگاه اخراج و تبعید شده اند و آنگاه درمی یافتند که مخالفت با حکومت - راه یابی جوانان بلوچ به دانشگاه های کشور تحول جدیدی در اندیشه نسل جوان بلوچ می یابد. این دانشجویان جدید علی رغم عقب - ماندگیهای فکری که داشتند از پذیرش اندیشه های ترقی جویانه کوتاهی نکردند. آنان به معین عقب ماندگی زحمتکشان بلوچ و فقر مطلق و شیوه معیشت سخت زحمتکشان بلوچ را دیده بودند و

اینگ با افکاری آشنا میشدند که نه تنها رهایی یک ملت خاص و یک کشور خاص بلکه تمامی ستمدیدگان و تمامی زنجیربازان روی زمین را مدنظر داشت.

افتتاح دو موسسه مالی آموزشی و چند دانشسرای دیگر گام مهمی در تغییر افکار فشر وسیع تر از جوانان بحساب می آید. گرچه رژیم پهلوی تلاش فراوانی نمود تا دانشگاه را بماندند سر باز خانه سازماندهی کند یعنی دانشجویان حق بیرون رفتن از دانشگاه را عقب هنگام نداشتند و چنانچه دانشجویانی به شب متوالی از دانشگاه غیبت می کردند تنبیهات سختی برای آنها در نظر میگرفتند اما این تنبیهات مگر می توانست از بسط اندیشه های ترقی جویانه جلوگیری کند. دانشجویان زاهدان با دانشجویان دانشگاه های دیگر ارتباط داشتند و تبادل افکار می نمودند. سالهای ۵۵ و از آن به بعد با تشکیل شبهای شعر از سوی دانشجویان دانشگاه و دانشسرای عالی و مدارس عالی دیگر پخش کتابهای متنوعه و حتی اعلامیه ها پیشران از بقیه منحصر تر میگفتند دانشجویان نبودند دانشگاهی را دردم می خوردیدند و سینما های شهر زاهدان عاهد بنما پیش بردن فیلم - های ساخته شده کشور شوراهای بود که از سوی دانشجویان دانشگاه تهران به دانشجویان دانشگاه بلوچستان داده میشد.

آغاز جنبش سراسری تاثیر بسیار شگرفی در تغییر نعت زحمتکشان بلوچ مبنی بر شکست ناپذیری خاندان سلطنتی بجای گذارد. جوانان زودتر از سایر اقشار در یافتند که سلطنت دردم شکستی است و دانشجویان بیشتر از همه به انقلاب ایمان آورده بودند. پروژه قیام به دانشجویان فرصت بیشتری ارزانی داد. دست تا با دانشجویان سایر دانشگاهها ارتباط برقرار کنند. اولین اعلامیه های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به بلوچستان آمد. پخش این شب نامه ها طوفانی عظیم در همه جا به پا کرد. همه به سازمان فدائی می آید - پیشینند. سبیل کتاب از تهران به بلوچستان سرازیر شد. دانشجویان بلوچ از سایر جاها به منطقه آمدند. دانشجویان دانشگاه بلوچ - چستان و دانشجویان جاهای دیگر همه و همه دست اندر کار شده بودند و سبیل کتاب و روز - نامه و اعلامیه بود که حتی به دورترین کوره دهات نیز میرفت. دانشجویان نمایندگان کتاب برپا میکردند. کتابپروزی در اکثر شهرهای بلوچستان افتتاح گردید و جوانان زیادی حول کتاب و خواندن و رفتن تا هوا انقلاب

جمع شده بودند اولین تشکلهای بوجود آمدند. این تشکلهای حول یک مسئله خاص یعنی پخش خبرنامه و یا پخش کتاب شکل گرفته بودند. هنوز هیچ مشخصات کمونیستی نداشتند. گرچه جوانان زیادی با خواندن چندین کتاب مار - کسیست شده بودند.

همه جوانان سازمان فدائی را میشناختند اما جنبش کمونیستی از جنبش انقلابی خلق عقب مانده و توانایی سازماندهی آنرا نداشت. سالهای سیاه دیکتاتور پهلوی آنقدر کارهای انقلاب را از بین برده بود که نیروی برای رهبری جنبشی به آن عظمت وجود نداشت. معجزه انقلاب آمده بود تازه دامنه های بلوچستان خیلی تنگ بود اما با بحال بیخ از جنبشی و بیشتر از لیبرالها فدائی مطرح بود.

سناد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران بزرگترین تاثیر را در سازمان دادن نیروهای هوادار سازمان در بلوچستان داشت. جوانان زیادی به سناد مراجعه کرده و تعلیمات لازم را گرفتند و سازمان نیز از این پس نقش بیشتری در رهبری این نیروی هوادار ایفا کرد. پیشگام در دانشگاه شکست گرفت و تشکلهای هواداران در خارج از دانشگاه و تشکلهای هواداران اعلامیه های را با نام بامی استار امضا می کرد. بامی استار به معنای ستاره بام گاهی ستاره ای که در حال دمیدن در بامداد می یابد و پیام آور طلوع و آغازگر روشنایی بعد از شبی طولانی است.

پیش خط ۲ عمدتاً پیکار نیز در پروژه قیام در تشکلهای بلوچ، اتحاد زحمتکشان ابراز وجود نمود. در آرایل یک دیدگاه در سطح نفرا تی چند محدود بود و در میان جوانان و توده های مردم جاذبه ای نداشت. اما بعدها بخصوص بعد از قیام و بدنیال راست رویهای اکثریت کمیته مرکزی و بهیال ندادن به مبارزات خلق بلوچ علیه حاکمیت ضد انقلابی نیروی از هواداران کنده به خط ۲ روی آوردند. بطوریکه بعد از انشعاب این دو خط به تعادلی از نیروها رسیده بودند دیدگاه خط ۲ بنابه نظریات آمولسی و چپ روانه و آثار فستی خود نه تنها نیروی پیش آهنگ را در جهت رهبری مبارزات زحمتکشان سوق نمیداد بلکه با طرح شعارها و عملیات آثار فستی موجب تبی اعتقادی توده ها را به چپ موجب میگفتند و بزرگترین ضایعات را موجب میشدند. خط ۲ یعنی "پیکار" که هیچ اعتقادی به دمکراتیک بودن مبارزات زحمت کسان نداشت و بدلیل مواضع جدا از توده در نمی یافت که باید زحمتکشان را در تشکلهای با ماهیت دمکراتیک سازمان داد در پی آن بود هر کسی که با رژیم سر مخالفت داشت وی را نیز کمونیست کند حال برایش فرقی نداشت که این نیرو یک زحمتکش چوپان باغد یا یک روشنفکر کارمند یا دانش آموز نیروی هوادار چغخا با تمام ضعفها و کم تجربگی که داشت، البته در تئوری در یک پییز توهمی نداشت

وتی عاقبت دست آگرم کوهانی المء حق انت



## جدال ...

ما پیوسته چه در عمل مبارزاتی خود و چه در نشریات چه بطور تبلیغ شفاهی و چه بیگونه کتبی میارزه علیه خوانین را به پیش برده ایم . و معتقدیم که آنرا باید پیوسته ادامه دهیم در این زمین موقیتهای زیادی نیز بدست آورده ایم . کسدام موفقیت بالاتر از اینکه چهره کریه و پوشیده خوانین را برای توده های مردم افشا ساخته ایم . با مید روزی که این جلادان و زالوه های خون آشام را در دادگاه خلقی بدست تضاروت خلق بسپاریم . اصولا عداوت ما با خوانین برای چیست و ما چرا با خوانین دشمنی می درزیم و هیچگاه سرازش نداریم . مدکس است از ما پرسیده شود که اگر دشمن خمینی است ، خوانین هم دشمن خمینی هستند ، اما میگوئیم که نه ، درست است که خمینی فقیه عظیم جلادان دشمن بشریت است اما دشمن اصلی ما نظام سرمایه داری است که در این دنیا مدعا خمینی را پرورش داده و میدهد . کینه ما نه با یک شخص که با یک نظام جبار و مسترگ است . بهمینگونه ما با خوانین کینه شخصی نداریم ما دشمنان طبقاتی آنها و آنها دشمنان طبقاتی زحمتکشان هستند ، آنها با زما - ندگان پسران فتوادل و ملوک الطوائف خودشان هستند که اینک در خدمت امپریالیسم و نظم بورژوازی نر آمده و برای آن جیره خواری میکنند . زحمتکشان را غارت و سترنج آنها را چپاول میکنند . به هزار ترفند و تیرتک متوسل میشوند تا کسی را بغریبند . برای روشن شدن چهره واقعی خوانین ما پرده از جنایات آنها بر میداریم و در این صحنه آنها خود افشا کننده ماهیت همدیگراند .

طبق اطلاعات موشی در تاریخ ۲۷/۳/۳۲ ساعت ۱۰/۵ جلسه ای با شرکت خوانین و افراد ذیل برگزار میگرد .

۱- میرمولاد سردار زهی ، ما این خوک کثیف و مرده خوار بی حیثیت را بارها افشا و معرفی نموده ایم .

۲- ایوب خان مبارکی ، یکی از خان زاده های بلوچستان .

۳- سعید خان پسر عیسی خان وکیل شاه که اینک در امریکا بسر میبرد و نماینده طالبی میبارکیها است .

۴- مریم ریگی ، کثیف ترین عشریته زمان شاه که در چاکری و هرزگی برای صاحب منصبان بی نظیر و در ضمن نماینده زنان نیز بوده است .

۵- حاجی مراد بخش یادیا سرمایه دار دلاسی است که از زمان شاه در رابطه تنگنا تنگ بسا میرمولاد قرار داشته است . سرمایه ای از بعد ایران خارج و در پاکستان و امارات - متحده عربی نیز سرمایه گذاری نموده است .

عمده سرمایه وی در حمل و نقل و تجارت عمل میکنند . صاحب ۱۵ دستگاه لنج و میسیونرها تومان ثروت میباند .

۶- ندور خان نعمت الهی ، یکی از جیره خواران ساواک و کاسه لیبر ، دربار که در سراوان به چاپیدن زحمتکشان مشغول بود ، و اینک در کراچی در رابطه ای تنگنا تنگ با نوکسرا - امپریالیسم قرار دارد .

۷- بهرام خان علی خان شیرازی .

۸- ابراهیم خان ۹- دین محمد برادرزاده میر - مولاداد و امان الله یاران .

۱۰- حاجی بلوچ خان جمع زانی معروف به شه بخش

۱۱- حاجی ولی محمد ریگی و یا نخره

۱۲- چهره ای که تاکنون خود را مخفی نگه داشته و اینک وارد گود شده است ، این چهره جدید که مظلوم نمائی هم میکند و بیرق سخانی را بر - افراشته است ، کسی نیست جز محمد خان که

بقول خودش تا دینار آخر را از شک میرمولاد داد نرمی آورد . ممکن است وی راست بگوید

زیرا آنها همدیگر را خوب میشناسند و محمد خان بهیچ وجه راضی نیست که میلیونها زربناد آورده را میرمولاد به تنهایی سربکشد .

آری محمد خان بعد از یک گفت و گذار طولانی در کشورهای عربی و دیدار با سران و شیوخ مرتجع عرب به حضور "مرخ طوفان" نیزتر نیاب

شده است . وی در طول مسافرتش از زحمتکشان بلوچی که در کشورهای عربی نیروی کارشان را به سرمایه داران عرب می فروشند همزاران هزار تومان با مطلع "بجار" در واقع غارت نموده است .

وی وقتی وارد کراچی میشود اعزای وحدت بلوچ (بخوان وحدت خوانین) را که همگی خوانین و چند نفری سرمایه دار

میباشند فرا میخواند تا حاضر بشود . در این جلسه ماهیت واقعی این سلفهتان و اهداف واقعی آنها روشن میشود ، محمد خان میداندار و گرداننده اصلی این جلسه ، برای خویش در

میان خوانین دیگر که مورد ستم واقع شده اند ، مبعیثیتی کب کرد . قبل از آنکه وارد جزئیات این جلسه "تاریخی" که

بیا نگر دقیق ماهیت خوانین است بشویم ، قبل از آن مقداری در مورد خود محمد خان میگوئیم تا حاله معصومیتی که بر چهره خود کشیده است پاک گردد .

محمد خان میرلشاری نماینده مجلس شاه بود وی در زمان وکالت خود مانند سایر نمایندگان به خوش خدمتی به دربار و خیانت به خلق در امر چاپیدن ثروت های اجتماعی و بوجه های مملکتی کوتاهی نکرد و رقیهای ترشی که برای عمران و آبادی منطقه دریافت

میدادت بین همپالگهای خود تقسیم و قسمت اعظمش را برای خود نگاه میدادت وی بوجه هائی را که برای لارویی و حفر قنات دریافت داشته بود برای مسارف شخصی و آبادی زمینهای

خویش در گسک از توابع اسپکه بکار برد و برای خویش قنات حفر نمود .

محمد خان که از توان زحمتکشان منطقه لشار در پی ناآگاهی آنها سود جست و پاسگاه

پسیرخلع سلاح می نمایند برای خوش خدمتی به رژیم خمینی آنها را تحویل داد و ماهیت کثیف و سالیسی و پر فریب خود را نشان داد که وی مخالف حکومت نیست بلکه برای مقام از دست رفته دلواپس است . این خان مزدور هیچ وقت از چپاول و ابذا و آزار زحمتکشان ایایی نداشته است . اما مدتی خودمختاری را (بخوان مختاری) را علم کرده بود که نیروهای انقلابی بخصوص هواداران سازمان در منطقه ماهیت وی را افشا و موجب انزوای

بیش از پیش وی شدند . خلاصه این خان هم در ماهیت و سفاکی هیچ دست کمی از مولاداد ندارد منظور اصلی وی از مخالفت با مولاداد سهیم بودن در غنائمی است که مولاداد دریافت داشته وی یا انگشت گذاشتن روی زبده های

مولاداد میخواهد برای خود اعتباری در میان سلطنت طلبان کب کنند . مملکت در چنگال

جمهوری اسلامی و زحمتکشان در زیر شدیدترین فشارها هستند و این خون آما سهای زالو صفت در معامله با سلطنت طلبان برای فروش گوشت

بره هائی که در نام و چنگال خمینی است ، میباشند .

در این جلسه جنجالی بر اساس گزارشات شاهدان عینی که بعدها بدستوری بدست ما رسیده است ، محمد خان جلسه را افتتاح

و بیان میکند این جلسه بخاطر رسیدگی به وضعیت ۳۰۰۰/- قبضه کلنیکت و مبلغ ۶

میلیون و ۲۰۰ هزار روپیه پاکستانی و دو (۲) میلیون فننگ میباید . (بامی استار شماره ۲۵

چگونگی حمل و نقل و صاحبان اصلی این اسلحهها را افشا نمود . اما اینک خود

خوانین زوایای آنرا روشن میکنند ) از مولاداد پرسیده میشود اسلحهها و پولها کجاست ؟

وی با شیوه خاص خویش پاسخ میدهد : هوا طوفانی بود در دریا غرق شدند ، اما حاجی

بلوچ خان که تمام ریزه کاریهای مولاداد را میشناسد و میداند که مراد بخش یادیا چقدر عیاد است . رشته کلام را بدست گرفته میگوید

در این جلسه ما سه نفر نزد و قاچاق فروش هستیم و به کردار همدیگر خوب آگاه هستیم ، ولی با لحنی آمرانه و در عین حال تحقیر

کننده رو میکند به حاجی مراد بخش و میگوید : جاشو من میدانم که تو اسلحهها را کجا

برده ای و فروخته ای ، هر آن روز من وضع دریا را میدانم . مرا در آنروز منتظر نموده بودید ( حاجی بلوچ خان مأمور حمل اسلحه بوده است وقتی که از دریا به خشکی

میرسند ) و خودتان به بهانه طوفان و شکست جزئی و صحنه ای ساختگی لنجی را هم شکستید تا اسلحهها را بدزدید و بفروشد . من میدانم اسلحهها را چکار کرده ای . اما بدان که تو نمیتوانی سهم مرا بالا بکشی ، من سهم خود را از خودت و حتی از توهائیت میگیرم .

حاجی مراد بخش یادیا برای اینکه مظلوم نمائی بیشتری بکند ، رو میکند به جمع و میگوید که نگاه کنید اگر بگذارد دو دان بود که میشد ولی ۳۰۰۰/- هزار کلنیکت را

پیام کمیته ...

خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران

کارگران و زحمتکشان ایران!

نوزدهم بهمن ماه سالروز حماسه سیاهکل روز بنیانگذار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ۲۲ بهمن سالروز قیام عظیم و شکوهمند بهمن ۵۷ هروزی که تودههای مردم بسا قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را در ایران به گور سپردند و بعنوان دو روز بزرگ و فراوانی در تاریخچه مبارزاتی تودههای زحمتکش مردم ایران فرا رسیده است.

ما امسال در شرایطی به استقبال این دو روز بزرگ و تاریخی می‌نماییم که جامعه یکبار دیگر با سرعت به سوی یکمرتبه تحولات عظیم سیاسی و دگرگونیهای بنیانی کن انقلابی پیش می‌تازد. مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار و رژیم جمهوری اسلامی بلاوقفه رعد و گسترش می‌یابد. جنبش توده‌ای پیوسته در حال اعتلاست و بر عمق و ژرفای بحران اقتصاد و سیاسی افزوده می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی پس از شش سال استمگر اقتصادی و سیاسی بر توده‌ها بسوی انحلال و فروپاشی قطعی پیش می‌رود.

تمام عواید اقتصادی - سیاسی و اجتماعی موجود چشم‌انداز این تحول سیاسی را آشکار می‌سازد. تشدید بحران اقتصادی در کلیه عرصه‌ها منتهی به مالی و بازرگانی و کشاورزی با وضوح دیده می‌شود. در بخش صنایع رکود مزمن همچنان پابرجاست و بنابه دلایل مالی و تکنیکی و سیاسی هیچ چشم‌انداز رونق و بهبودی در این حیطه فعالیت اقتصادی دیده نمی‌شود. وضعیت مالی رژیم شدت‌رو به وخامت گذاشته است. خزانه دولت کاملاً تهی است و کسری عظیم بودجه دولت از مرز صد میلیارد تومان گذشته است. درآمدهای دولت از نفت به علت کاهش مداوم قیمت نفت در بازار جهانی در حال تقلیل یافتن است و دولت مدارا با اسکناس بدون پشتوانه صادر می‌کند. در کشاورزی نیز به تبعیت از بحران صنعتی و مالی و سیاستهای ارتجاعی حاکمیت معدم تا مین ما محتاج مالی و فنی دهقانان و فشارهای متعددی که از سوی دولت نسبت به دهقانان اعمال می‌شود و اوضاع پیوسته وخیم‌تر شده است.

تمامی بار این بحران همه جانبه اقتصادی و فشارهای ناشی از آن بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است. استثمار کارگران به نحو کم سابقه‌ای تشدید شده است. دستمزدها آنچنان ناچیز است که حتی کفایست تا مین حداقل معیشت کارگران را نمی‌کنند.

شرایط زندگی طبقه کارگر ایران به سطح بسیار نازلی تنزل نموده است. بخش عظیمی از کارگران بیکار و در فقر و مسکنت هولناکی بسر می‌برند. کمبود مایحتاج عمومی تورم افسارگسیخته و افزایش بی‌در پی قیمت کالاها، انواع و اقسام تحمیلات نظیر افزایش مالیاتها و باجگیری‌های متعدد دولتی، جنان و وضعیتی را پدید آورده است که عموم توده‌های مردم در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و مالی قرار گرفته‌اند. این روند بحران اقتصادی منجر به تشدید تضادها و رشد و اعتلا مبارزات توده‌های مردم گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که اساساً پاشدار منافع سرمایه‌داران و زمینداران است و جز تشدید و عسارت اوضاع اقتصادی و انتقال هرچه بیشتر بار بحران بردوش زحمتکشان و وابستگی روزافزون اقتصادی به امپریالیسم کساری نکرده است. انعقاد قراردادهای بی‌در پی چند ماه اخیر با دولتها و امپریالیست و انحصارات بین‌المللی برای صدور سرمایه به ایران و تسهیلات و امکاناتی که در اختیار سرمایه‌داران بخش خصوصی قرار گرفته است و خود گویا ترین دلیل برای تشدید وابستگی روزافزون اقتصادی به امپریالیسم و استعمار غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان ایران بدست سرمایه‌داران ایرانی و بین‌المللی است. رژیم به منظور انتقال بار بحران بدوش توده‌ها و جبران افلاس و ورشکستگی خود در تلاش است که باز هم بر میزان مالیاتها مستقیم و غیر مستقیم که پرداخت کنندگان اصلی آن بر طبق اسناد و مدارک دولتی کارگران، دهقانان و خرده تولیدکنندگان فقیرند، بیفزاید. بر طبق ارقام بودجه امسال دولت هزینه‌های خدمات درمانی، بهداشتی، آموزشی و بطور کلی خدمات عمومی را هرچه بیشتر بردوش توده‌ها قرار داده است و عنقریب بهای بلیط اتوبوس، برقی، آب و نفت و بنزین نیز افزایش می‌یابد.

مجموعه سیاستهای اقتصادی رژیم مداوماً بر وراثت اوضاع افزوده است و شرایط زندگی توده‌های مردم را پیوسته دشوارتر نموده است. مکمل این سیاست اقتصادی توسل رژیم به دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته سرکوب و اختناق و سلب ابتدائی ترین حقوق توده‌های مردم بوده است. رژیم برای مقابله با رشد فزاینده مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران هرگونه آزادی سیاسی را نفی نموده است و دهها هزار تن از نیروهای انقلابی را به جوخه‌های اعدام سپرده و دهها هزار تن را در سیاهچالهای قرون وسطائی خود به بند کشیده است و ادامه این سیاست داخلی و در عرصه سیاست خارجی به شکل ادامه جنگ ارتجاعی تیلور یافته است که طی چهار سال چنانسان مناقات و بدبختیهای برای مردم ایران بسبار آورده است که هرگز سابقه نداشته است. چه کسی است که از ابعاد حیرت‌آور کشته شدگان و معلولین جنگ بی‌اطلاع باشد و کدام کارگر و زحمتکش است که بار عظیم و سنگین این جنگ را بردوش خود احساس نکند!

تمامی این سیاستهای داخلی و خارجی رژیم به منجر به تشدید تضادها و رشد روزافزون مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان ایران شده است. توده‌های مردم دیگر قنای نیستند این همه فشار را تحمل کنند. در عموم کارخانه‌ها، کارگران مبارزه مداوم و مستمری را علیه رژیم و سیاستهای آن آغاز کرده‌اند و امواج اعتراضات بسرعت در حال گسترش است. تشدید بحران اقتصادی، تشدید بحران سیاسی را در پی خود داشته است. رشد بحران سیاسی تضادها و اختلافات درونی رژیم را مداوم تشدید کرده است. اکنون ابعاد بحران اقتصاد و سیاسی حاکم به مرحله‌ای رسیده است که رژیم با وضعیت کنونی نمیتواند به حیات خود ادامه دهد و هیچ چشم‌اندازی برای بقا آن متصور نیست و سرنگونی آن قطعی است.

با گسترش دامنه بحران سیاسی و رشد و اعتلا مداوم مبارزه توده‌ای و اکنون بیش از پیش مخالفتین رژیم با دو برنامہ و سیاست اساساً متفاوت در برابر رژیم قرار گرفته‌اند و توده‌های مردمی که جانها را از دستگیریهایی متعدد رژیم جمهوری اسلامی به لب رسیده است می‌خواهند که به آنها اعتماد کنند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان ایران باید شناخت دقیقی از گروهبندهای سیاسی موجود و مواضع و ماهیت آنها داشته باشند و نا این بار که به قیامی مجدد بر می‌خیزند به سرنوشت گذشته نیاز نهند. این گروهبندها را میتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

گروهبندهی سلطنت طلبان - که سوابق وابستگی و سیاستهای ارتجاعی آنان بر هیچکس پنهان نیست. اینان که دشمن سوگندخورده توده‌های زحمتکش مردم ایرانند و طی سالها استمگرسی ماهیت رسوایی خود را کاملاً آشکار نموده‌اند و مدافعین منافع سرمایه‌داران و زمینداران و عوامل کاملاً شناخته شده امپریالیسم در ایران محسوب میشوند.

اینان امروز در تلاشند که جانی در میان مردم برای خود باز کنند و اما رسوائی آنها بیدار از آن است که توده‌های مردم نسبت به آنها توهمی داشته باشند. کارگران و زحمتکشان ایران ناروسته ضد انقلابی را بخوبی می‌شناسند و هیچگونه توهمی نسبت به آنها ندارند.

غورای ملی مقاومت دربرگیرنده گروهها و سازمانهایی است که در غورای ملی مقاومت متشکل شده‌اند و اینان هرچند سعی می‌کنند که خود را طرفدار توده مردم و خواسته‌های آنها جا بزنند و اما نه تنها در اساس خواهان هیچ گونه تحول انقلابی در وضعیت موجود ایران نیستند، بلکه خواستار حفظ نظم استمگرانه موجود و بقا دستگاه بوروکراتیک - نظامی و بقا سلطه امپریالیسم در ایرانند. مخالفت اینان با رژیم جمهوری اسلامی، مخالفتشان با شخص خمینی است و نه رژیم جمهوری اسلامی. چرا که اینان نیز خواستار یک حکومت

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



میوسم و املا مسئله تعاونی و اخراج مطرح نیست من دنبال کارتان را نمیگیرم قول او موجب تفرقه در بین کارگران شد عده ای می گفتند حال که قول داده اعتصاب را بشکنیم - قسمت بهره برداری میخواست به اعتصاب بیون بپیوندند زیرا آنها هم مسئله سختی کار و دقتزده بیمه درمانی برایشان مطرح بود که بلافاصله مدیر عامل قول مساعد داد و آنها را فریب داد به شکلی که در نیمه راه به اعتصاب نپیوستند.

## « اخبار »

### اعتصاب خونین در کارخانه شیشه و گاز

در کارخانه شیشه و گاز که در جاده قدیم کرج واقع است و تولید آن شیشه های نوشابه و شیر و ماست و ... میباشد کارگران برای افزایش دستمزد جلوگیری از اخراج و شرایط واقعاً سخت کار که در کنار کوره های غشتی با حداقل وسایل ایمنی صورت میگیرد با مدیریت درگیر شده و برای تحقق اهداف خود دست از کار کشیده و مدیریت را به محاکمه کشیدند ( هفته دوم دیماه ) مدیریت که اوضاع را بر وفق مراد ندید به سپاه اطلاع داده و در اسرع وقت مزدوران پاسدار کارخانه را محاصره کردند . ابتدا بیست کارگران و پاسداران درگیری لفظی شروع میشود و سپس سپاه که اوضاع را پس میبیند با غلیظ گلوله به سمت کارگران سعی در متفرق کردن کارگران می کنند که دو نفر از کارگران با گلوله های آمریکائی مزدوران خمینی چنانکه زخمی میشوند . کارگران خشمگین به سوی مزدوران حمله کرده و آنها را از کارخانه فراری می دهند . لازم به تذکر است که این کارخانه حدود ۲۰۰۰ کارگر دارد و مجاور کارخانه کانادا دارای در جاده قدیم کرج قرار دارد و وابسته به بنیاد مستضعفان است .

### کارخانه کفش جم :

۳۱/۱۰/۷۳ کارگران در اعتراض به اخراج ۳ نفر از کارگران با مدیریت درگیر شده و سپس تولید را خوابانده یکبارچه دست به اعتصاب میزنند و خواستار بازگشت همکاران اخراجی خود میشوند . مدیریت ابتدا سعی می کند با بی تفاوتی برخورد کند اما هنگامیکه با اتحاد کارگران مواجه میشود مجبور به عقب نشینی شده و کارگران را بسر کار باز میگرداند .

### کارخانه پیلهور رشت

در نیمه اول آذر ماه طی اعتصاب ۱۲ روزه ای که صورت گرفت هم اکنون از طرف دولت بسته است و کلیه کارگران اخراج شده اند .

صفحه ۷

## گزارشی از ذوب آهن



مدیریت همیشه به کارگران میگفته که ما میخواهیم شمارا تحت پوشش بیمه های اجتماعی قرار ندهیم ولی بیمه های اجتماعی قبول نمی کند در صورتیکه بیمه اجتماعی لیک نام به مدیر - پت اعلام کرده که : " طبق نامه شماره ۰۰۰۰۰ ما با خواست شما موافقت می شود . " ولی مدیریت به کارگران تروخ میگفتند این نامه در تیراژ وسیعی کپی شده و پسر و دبستوار ذوب آهن زده شده بود یکی از علل اصلی استعفا ی مدیر عامل این افتخاری بوده است نه کتک خوردن او .

## گزارش تکمیلی

### گزارش تکمیلی - شروع حرکت با این دلیل

بود که طرح توسعه کارخانه متوقف شده و قرار شده بود کارگران ساختمانی را تحت پوشش تعاونی عملا اخراج کنند . کارگران که مزمنه این خبر را شنیدند تصمیم به اعتصاب گرفته ابتدا اعتصاب از خود کارخانه و کارگران پیمانائی شروع شد . کارگران ساختمانی فولانشهر و فولاد مبارکه هم با آنها پیوستند تعداد شرکت کنندگان را حدود ۱۰ هزار نفر تخمین میزنند . خواستهای مطرح شده : ۱- کارگران پیمانائی همگی از طرف ذوب آهن استخدام رسمی شوند و سابقه کارشان بحساب آید ۲- دقتزده های خدمات درمانی بصورتی باشد که بتواند بهر دکتری مراجعه کرد و کلا اعتراض به وضعیت درمانی هر اولین روز حرکت ۳- نفر نستگیر شدند ( ۱ زن و ۳ مرد ) که سخنرانی کرده بودند و بدنبال آن خواست آزادی ۴- نفر مطرح شد و چند تن از منتسبین از سوی کارگران به گروهان گرفته شوند تا در ازای آزادی کارگر آزاد شوند بلافاصله روز بعد ۴ کارگر نستگیر شده آزاد شدند اما مفعلا شکتجه شده بودند بتحویکه یکی از آنان خون استفراخ میکرد . استاندار اصفهان طی سخنرانی مطرح کرد ما چگونه پول امترا به کارگرانی که کار نمی کنند بدهیم اگر اعتصاب ادامه یابد امت حزب الله خوزستان خواهد رسید . طاهری امام جمعه طی سخنرانی و پخش تراکت گفت اگر پیغمبر دست کارگر را بوسید من پایش را

کارگران ساختمانی در اعتراض به اخراج شان که بعلمت پایان مدت قرار داد صورت میگیرد فته جمع شده و خواستار رسیدگی به وضعشان میشوند . در این میان قسمت بهره برداری نیز به جمع کارگران ساختمانی می پیوندند . تعداد کارگران به ۱۵۰۰۰ نفر میرسد . مدیر عامل به جمع کارگران آمده و میگوید که برادران کارگر ناراحت نیاید چرا که این غایم - ضد انقلاب است و صحت ندارد یکی از کارگران او را به فرآن قسم میدهد که حقیقت را بگوید او هم با مطلع تحت تاثیر واقع شده و میگوید که موضوع از این قرار است که کارگران شرکتی شده و از پوشش ذوب آهن خارج میشوند و حتی این موضوع لایحه ای هم در مجلس تصویب شده است طبق این تصمیم آنها میبایست تا شمع ۶۰ کیلومتری اصفهان هر جا که برایشان تعیین عد برونند . هر روز هم که کار بود مزد بگیرند ۱- سپس از کارگران میخواهد که ۱۵ روز به مهلت بدهند کارگران در این فاصله به سرکار میبایند ولی کار نمیکنند مدیر عامل بعد از مدت تعیین شده جواب منفی میدهد کارگران او را مفضل کتک میزنند . در این برگیرها ۳۰ نفر دستگیر میشوند . کارگران هم ۱۰ نفر از مدیران را گروهان میگیرند . رژیم از ترس گسترش اعتصاب ( چرا که شرکت

نفی و نیروگاه اصفهان هم اعلام حمایت میکنند ) دستگیرنده ها را آزاد میکند . رژیم از این عده میخواهد که هر طوری شده اعتصاب را پایا ن دهند . دستگیرنده ها شکتجه شده بودند و در ضمن رژیم آنها را مرعوب کرده و گفته بود که اگر اینکار را نکنند آنان را اعدام خواهند کرد . خواست کارگران همانطور که در ابتدا گفته شد اعتراض به اخراج و خارج شدن از پوشش ذوب آهن بوده است . ولی بعدا مسئله اناقه حقوق و بیمه را نیز مطرح کرده اند ۱- اناقه حقوق : کارگران ذوب آهن معیار اناقه حقوقشان چون دیگر جاها بر اساس پایه - هوه گرفتن هر چند سال یکبار نیست بلکه تابع یک خریبی است که خاص ذوب آهن است و زمان شاه خائن هم همینطور بوده است . سالیانه که میباید با کارگران ذوب آهن طبق این ضریب ۵ پایه تعلق گرفته باشد ولی عملا ۲ پایه داده بوده اند .

۲- بیمه : بیمه هم سالیانه که مهمترین خواست کارگران بوده است . آنها همیشه میخواستند اند که تحت پوشش بیمه های اجتماعی قرار گرفته و از بلا تکلیفی خارج شوند . چرا که از این نظر هیچ قانونی برای آنها در نظر گرفته نمیشده . مثلاً به آنها میگفتند که شما به

این مراکز مراجعه کنید و قبض دریافت کنید و بیاورید هزینه آنها به شما میپردازیم . درحین اعتصاب کارگران این خواست را هم مطرح میکنند . کارگران بهره برداری نیز به دلیل این خواست مشترک به کارگران ساختمانی میپیوندند . در این بین یک افتخاری هم انجام میشود . موضوع از این قرار بوده است که



## اخبار

### پرسی گاز

اواخر شهریور ماه ۳۳ وقتی کارگران شرکت پرسی گاز ایران (پرسی گاز) قسمت تأسیسات سکو جهت دریافت حقوق مراجعه نمودند متوجه کسر ۵۰۰ تومان پورسانت کارگران شدند کارگران عصبانیت و اعتراض به قطع ۵۰۰ تومان دستاورد کار کفیده و همگی به دفتر شورای - حرکت میروند و مسئولان را با توجه به اتحاد کارگران با توسل به نیروی و نفوذ و آیه قول پرداخت را در ۳۰ روز آینده میبندد کارگران عیفت بعد از ظهر نیز به کارگران صبح میپیوندند و کارخانه به حالت نیمه اعتصاب درمی آید ولی باز به وسیله حقه و نفیرونی کارگران را قانع کردند که سه ماه بعد دوباره را با هم پرداخت کنند هولی کارگران دانستند که فقط خودشان باید تصمیم بگیرند و کم کاری شروع شد و تولید روزانه را از ۷۵۰۰ به ۵۰۰۰ و ۴۵۰۰ کاهش دادند (هر هر عیفت) این وضع ادامه داشت ماه بعد رسید ولی از ۵۰۰ تومانها چیزی نماند بالاخره اعتراض دوباره شروع شد که پس از ۴ ماه کارگران - توانستند حق از دست رفته خودشان را دوباره بدست بیاورند و به این وسیله با خنده به همدیگر میفهمانندند که بالاخره خودشان باید تصمیم بگیرند. اما مدیریت نیز بیکارنفسست و با سیاست نفاق افکنانه خود طوری دربارہ این پورسانتها تصمیم گرفت که هر کارگر از نظر سرپرستها دارای یک امتیاز است و هرکس امتیاز بیشتر داشته باشد پورسانت بیشتری میگیرد. بعنوان مثال در آخر دیماه و قسمتی که کارگران پورسانتها ماهها شهریور و مهر را دریافت کردند یعنی ۱۰۰۰ تومان و برخی ۳۰۰ و ۴۰۰ تومان گرفتند و البته امتیاز سرپرستان از ۱۴۰ نیز گذشته است در حالیکه لاترین امتیاز ۱۰۰ است و به این ترتیب کارگران هنوز به خاطر این تبعیض ناراحت هستند و منتظر ماه بهمن که چگونه پورسانت خواهند گرفت.

### پرسی گاز

هنوز حق کارگران که ۵۰۰ تومان است پرداخت نشده و مدیریت برای انحراف افکار کارگران طی بخندنامه ای که چهارشنبه ۱۳/۱۰/۶۴ صادر شد افزایش ساعات کار تا ۳ بعد از ظهر را مطرح کرد که کارگران متحداً دست از کار کفیده به دفتر مدیر عامل میروند او نیز که با حرکت یکپارچه مواجه شده این دستورالغوی میکند.

### فرش گیلان

این کارخانه حدود ۱۵۰۰ نفر کارگر دارد که در چند عیفت کار می کنند. از مدت ها پیش بخاطر اضافه دستمزد اعتراضاتی وجود داشت و در همین رابطه کارگران دست به کم کاری زده

بودند تا جائیکه در مورخ ۱۷/۱۰/۳۳ چند نفر بعنوان بازرس به کارخانه می آیند و بسا مدیریت صحبت می کنند در هنگام خروج کارگران متوجه آمدن بازرسان شده و میروند تا بسا آنها صحبت کنند مشاهده می کنند که آنها در حال بیرون رفتن از در خروجی کارخانه هستند مدایشان زده و می گویند با شما کار داریم بازرسا اعتنایی نمی کنند. کارگران که از این مسئله خشمگین شده بودند شروع به سوت زدن و هو کردن بازرسان می کنند آنها در نگهبانی کارخانه می مانند و به سپاه تلفن میزنند. پس از چند دقیقه مامین سپاه که مسلسل بسر روی آن کار گذاشته بود وارد کارخانه میشود. در این موقع کارگران در محوطه کارخانه جمع شده بودند زمانیکه سپاه وارد شد بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۷/۱۰/۳۳ بود بعضی ورود ۱۲ نفر از کارگران را که قبلاً از طرف انجمن اسلامی شناسایی شده بودند دستگیر کرده و از کارخانه خارج نمودند. خبر دستگیری در غروب همان روز به عیفتها ی دیگر هم رسید همه کارگران به کارگری آمده و بعنوان اعتراض تصمیم اختیار می کنند. سپاه دوباره حمله می کنند و اسامی ۲۰ نفر از متحصنین را برای ایجاد جو رعب و هراس می نویسند. ضمن تا چهارشنبه ۱۶/۱۰/۳۳ ادامه می یابد. مهندس اداری فرشی گیلان با وحشت به کارگران نزدیک شده و از آنها خواهش می کند که دست از اعتصاب بکشند اما کارگران توجیهی به خواست او نمی کنند تا تاریخ دریافت خبر یعنی ۲۰/۱۰/۳۳ متحصن همچنان ادامه دارد.

### کارخانه پوشش گیلان

این کارخانه حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر دارد از مدت ها قبل طی بخندنامه ای حدود ۳۵۰ تومان به حقوق کارگران اسماً افزوده شد اما تا تاریخ ۱۱/۱۰/۳۳ هیچگونه اقدام عملی در این جهت از طرف مدیریت انجام ندادند در تاریخ ۱۹/۱۰/۳۳ کارگران دست به تهیه طوماری زده و همه کارگران آنرا امضاء کردند و ضرب العجل تعیین کرده اند که اگر تا آن تاریخ خواسته هایشان برآورده نشد (یعنی دریافت اضافه حقوق) دست از کار خواهند کشید.

### کارخانه دخانیات

کارخانه دخانیات همچنان در جوی پلیسی و اختناق آلود است. بعضی از کارمندان اداری را در قسمت ساختمان زیرین کارخانه که مملو از سومومات است قرار داده اند. یکی از کارگران قدیمی که حدود ۳ ماه در زندان بود بعد از آزادی به کارخانه برگشت مدتی نگذشت که او در راه خانه و کارخانه توسط یک مامین ناشناس به منطقه قلعه مرغی تهران برده میشود و آنقدر او را میزنند که هر دو پایش می شکنند. حال او سرکار خویش حاضر نمیشود و هیچ اطلاعی از زنده یا مرده او در دست نیست.

### کارخانه گاز آردل

این کارخانه تولید کننده لوازم خانگی می باشد کارگران برای افزایش دستمزد و تشکیل

جمع عمومی دست به اعتصاب زده و از مدیریت میخواهند به خواسته های شان پاسخ دهد. مدیریت که از اتحاد کارگران به وحشت افتاده سعی می کند با تهدید و ارباب آنان را متفرق سازد که با مقاومت یکپارچه کارگران مواجه شده و هنگامیکه اوضاع را بر وفق مراد نمی بیند با بی خبری تمام می گوید: کاری نکنید که اینجا را مثل عیسه و گاز کنیم. درگیری بین مدیریت و کارگران ادامه دارد تاریخ اعتصاب ۱۵/۱۰/۳۳ بوده و سپس مدیریت قبول میدهد که تا یک هفته دیگر به خواسته های کارگران رسیدگی خواهند کرد.

### فریدون کنار

یکی از شهرهای استان مازندران محدود هذته دوم دی ماه بود که پاسداران جهت جلوگیری از مید به میدان آنجا اولتیماتوم می دهند. لیکن هیچکدام از میدانان زیرسار نمیروند و بالاخره پاسداران عمیانی شده و به میدانان تیراندازی می کنند که یکی از میدانان از ناحیه حکم و پا مجروح میشود مجروح را به بیمارستان منتقل می کنند از آنجا که جراحات وارده عمیق بود او را به بیمارستان بیسی نژاد (شاهپور سابق) بابل میبرند. خبر در شهر می پیچد پس از یک ساعت حدود دو هزار سیاد از شهرهای تابعه برای حمایت و همدردی در جلوی بیمارستان اجتماع می کنند. تجمع آنها پاسداران را به وحشت می اندازد و آنها

عقب نشینی می کنند و من غیر مستقیم از میدان مجروح غرضخواهی نمودند. فعلاً مید در منطقه آزادانه انجام می گیرد. لازم بیادآوری است که در همین شهر چند مورد میدانان با پاسداران مقابله کرده اند که بگبار منجر به خلع سلاح پاسداران گردید.

### زندانیان قزل حصار

حاج داود رحمانی رئیس زندان عوض شده است. او خود شخصاً در مورد آزار و اذیت افراد دست داشته - قیامت دستگاه - تمام ابزار شکنجه او بود. آخوند ناصری که نماینده منتظری در زندان است. چندی پیش در موقع بازدید از آنجا حاج داود و لاجوردی را بنام ندبش خطاب کرده. او از دیدن دستگاه شکنجه که حاج داود آنرا قیامت می نامید اشک تساح میریزد وضع قزل حصار نسبت به اول بهتر است. کتابهای مختلف در کتابخانه آنجا موجود است. کتاب فرهنگ سکوت نوشته یک نویسنده برزیلی از نظر زندانیان بهترین آنهاست و باید مدتها در نوبت باشند تا آن به دستشان برسد. انصاری یکی دیگر از مشور لنین هیئت سه نفری که وابسته به شورای عالی قضایی میباشد از مسئولین کلیه زندانهای تهران عده است.

حدود ۲ تا ۳ هفته پیش بدینال اعتما ب زندانیان سیاسی در اوین حدود ۴۰۰ نفر را اعدام کرده اند. از این تعداد ۱۶ نفر دختر و بقیه پسر هستند.



## اخبار

### ایران ناسیونال

کارگران ایران ناسیونال در اعتراض به انتخاب کارگر نمونه دست از کار کشیدند. طبق برنامه هر ساله رژیم در تفرقه انداختن بین کارگران و تنبیه آنان به تولید بیشتر و ... اسامی نیز در کارخانه ایران ناسیونال ۵ نفر به عنوان کارگر نمونه از طرف رژیم انتخاب شدند و قرار شد که به این کارگران که همگی از افراد حزب الهی و سرپرست ده رژیم هستند تعداد ۵ دستگاه پیکان به عنوان جایزه داده شود. کارگران با شنیدن این مطلب به اعتراض پرداخته و گفتند حال که به آنها پیکان داده میشود پس باید شنب و روز اینجا کار کنند و ما کار نمیکنیم. بالاخره در اثر پافشاری و اعتراض کارگران فعلا این مسئله مسکوت مانده و مسئولین از ترس کارگران اعلام کرده اند که برنامه فعلا بهم خورده است.

### نفت جنوب - حدوداً ۱۵ دیماه :

بناباره گفته چند نفر شرکت نفت تراعتما- ب پسر می برد و علت اعتصاب بقولی پدتیبانی از مبارزات و اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان بوده است و به قول دیگر در جهت خواسته های اقتصادی کارگران صورت گرفته در حال اعتصاب بسیار گذرده شده و کارگران مانع خروج نفت شده اند. پاسداران سرمایه بحالت کرده و ۲۰ تا ۳۰ نفر از رهبران اعتصابیون را دستگیر کرده و با خود برده اند. کارگران نفت را محاصره کرده اند که تعداد این محاصره کنندگان ۵ تا ۶ هزار نفر است ( این مطلب در سطح گذرده ای پخش شده. به خصوص با کمبود مواد سوختی و تشکیل صفهای طولانی در اماکن توزیع مواد سوختی، این مسئله تشدید می یابد اما از چگونگی و کم و کیف اعتصاب اطلاع بیشتری در دست نیست. )

### ذوب آهن

در پی اعتصاب ذوب آهن همچنان رژیم فعلا از اجرای طرح تعاونی کردن دست برداشته و در این رابطه گویا رژیم ده تن از کارگران را در محوطه کارخانه تیرباران کرده و این مسئله بر شدت اعتراض کارکنان افزوده است.

« اخیرا شنیده شده که زندانیان دچار درهای شکمی و ضعف شدید میشوند و شایع است که در غذا زندانیان بتدریج سم وارد میکنند تا آنها را از نظر جسمی ضعیف کنند بطوریکه وقتی زندانی چند روز غذا و زندان را نمی خورد درها بر طرف میشود. »

### قزوین :

در اوایل دیماه کارگران کارخانه ( فرنیخ ) در پدتیبانی از کارگران ذوب آهن اصفهان و در جهت اجرای هراست صنفی طرح طبق بندی متاعل دست به اعتصاب زدند. در جریان اعتصاب مسئولین کارخانه را مورد ضرب و شتم قرار دادند. فرماندار قزوین برای کارگران سخنرانی کرده و با وعده و وعید قول داد که طی یکماه خواسته آنان اجرا شود کارگران اعتصاب را شکسته و به سرکار بازگشتند. بعد از این واقعه حدود ۳۰ - ۴۰ نفر از کارگران دستگیر شدند.

### درود :

در طی ماه دی مردم این شهر بر علیه امام جمعه شهر تظاهرات کرده و شعار " سرک بر امام جمعه ... " می دهند. پاسداران نعلت کرده و به جمع تظاهر کنندگان حمله میکنند که گویا چند نفر هم کشته و زخمی میشوند. در هفته پس از این جریان مردم بیروجرده به عنوان پدتیبانی از مردم درود با حمل پلاکار- نهائی بر علیه امام جمعه به تظاهرات گذرده ای دست می زنند.

### کسرج :

از تاریخ ۷ دیماه هراتندگان مینی بوس های خط حصارک - تهران اعتصاب کرده اند این خط که در حدود ۲۸ مینی بوس دارد جزوا تحادیه تعاونی تهران غرب هستند. اخیرا دولت بهر شکل قصد دارد که کلیه مینی بوسهای خط کسرج و شهرکهای اطراف را به تهران تحت پوشش شرکت واحد درآورد و به این منظور ابتدا خط حصارک - تهران را که تعداد ماینها و رانندگانش بیشتر هستند انتخاب نموده مینی بوسها این طرح را نپذیرفته و از رفتن به زیر پوشش شرکت واحد سر باز زدند. زیرا بنا بر گفته یکی از رانندگان علاوه بر ۱۰۰ تومان که هرماه باید به عنوان مالیات به شرکت واحد بدهند شرکت واحد وضعیت درست و حسابی ندارد و وسایل بدکی را نمی تواند به راحتی در اختیار مینی بوسداران بگذارد به همین منظور رانندگان دست به اعتصاب زده و از بین خود نمایندگان انتخاب کردند و به فرمانداری و شهرداری مراجعات مکرری نمودند اما آنها نیز گفتند که این طرح باید اجرا شود و با اعتصاب رانندگان این مسئله باقی میماند که ماغبین شرکت واحد جوابگویی اینهمه مسافر نیستند. در ضمن به گفته یکی از رانندگان، گویا رانندگان خطوط مهرشهر و گوهرنست نیز از این اعتصاب اعلام پدتیبانی نموده اند.

« اخیرا رژیم با طرح کامپیوتری کردن برگهای معافی، قصد دارد تمام معافی های ما- لها ی قبیل حتی معافیهای پزشکی را به پادگانها فراخوانده به خدمت سربازی بفرستد.

### چاه بهار

در اواخر دیماه مسئولین کشاورزی به هفتخان منطقه دشتیاری و باهو کلات اعلام می نمایند که از کت پخته خودداری نموده و همینبانی که کاشته اند باید نابود کنند. ناگفته نماند که منطقه دشتیاری و باهو کلات یکی از حاصلخیزترین و مستعدترین زمینهای منطقه می باشد. اما بعلت کمبود آب زمینها زیر کت میروند. چند سال پیش رژیم ضد خلقی شاه کار بستن سد روی رودخانه سرباز را آغاز کرد میلیونها تومان خرج گردید اما هیچ پیشرفتی در کار بوجود نیامد و جمهوری اسلامی کار آنرا تعطیل کرد.

بوته های پنبه در این دشتها وسیع

بمانند درخت درمی آیند و سالیانه دو فصل بار می دهند. استدلال نوکران رژیم برای نابودی پنبه وجود آفت و سرایت آفت به دشت گرگان می باشد. از دشتیاری تا دشت گرگان بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر فاصله است حال اینها چگونه آفتبانی هستند که اینهمه راه مسافرت می کنند. باید دانستندان تخصیص نهند. به فرض اینکه چنین آفتبانی وجود داشته باشند متعصمان جمهوری اسلامی باید فرسود نابودی این آفتبا برآیند که این همه راه مسافرت نکنند نه اینکه پنبه کاری را ممنوع سازند.

### اعتصاب اتوبوسهای شرکت واحد اصفهان

اواخر دیماه در پی اعتراض رانندگان و کارگر ان شرکت واحد اتوبوسرانی به دزدیها و غارتگری بها ی مدیر شرکت واحد اتوبوسرانی و همچنین کمبود لوازم بدکی، تمام شرکت واحد نسبت از کار کشید و این اعتصاب به مدت ۱۸ ساعت بطول انجامید.

« در تاریخ ۱۰/۸ مسئله افزایش قیمت بنزین در جلسه خصوصی مجلس مطرح شد که به تصویب نرسید اما فرار است به لیتری ۲۰۰ ریال افزایش باید که تصویب شده و بزودی اعلام خواهد شد زمینمنازی آنرا هم رفتجانی در نماز جمعه ۱۳/۱۱/۷۴ نموده است.

« براساس گفته یکسرباز وظیفه از اردو- گاه " پرتدک " واقع در جاده ساوه حدود ۲۰۰۰ نفر از اسرای عراقی دچار سل و تبی دچار اسهال شده اند از نظر بهداشتی وضعیت فوق- العاده بدی دارند هنگامیکه اوایل دیماه صلیب سرخ برای یازدید میاید رژیم دست به تدارک وسیعی زده و هر روز به اسرا سرخ بریانی میدهد.





## اخبار ...

### ایرانشهر - راسک

در اواخر بهمن ماه ۳۳ در یکی از روستاهای بخش راسک واقع بین جکیگور و پیشین بک چویان زحمتکنی گوسفندان خود را بسرای چرا بصحرا میبرد مخوفی گوشه‌ای زیر سایه نرختی به استراحت می‌پرداخت، گوسفندان باز-یگوش غافل از اینکه ژاندارمها گوشت‌خوارند به پایگاه ژاندارمری نزدیک میشوند، افسر پایگاه به همراهی یک سرباز به گوسفندان حمله می‌کنند یکی را گرفته و به پایگاه می‌آورند به بقیه ژاندارمها می‌گویند آنرا بقیمت ۲۰۰۰/- تومان خریده‌اند، هر کسی حاضر است سهمش را بدهد تا از خوردن گوشت بهره‌مند شود.

تنگ غروب شبان گوسفندان را از چرا به روستا باز میگرداند، گوسفندان به خانه صاحبان خود میروند، یکی از پیرزنان روستا وقتی درمییابد گوسفندش مانند هر شب خانه نیامده نزد چویان می‌رود و از او سراغ گوسفند خود را می‌گیرد، صبح روز بعد چند نفر از اهالی بسوی کوهپای اطراف برای پیدا کردن گوسفند پیرزن میروند، آنها متوجه میشوند که ژاندارمها بهمین منطقه بسرای خوش‌گفرائی آمده‌اند و تازه گوسفندی را سر بریده‌اند و مشغول پختن آن هستند، اهالی گوسفند خود را از روی پوستش می‌شناسند، یکی از آنها به پایگاه می‌رود و رئیس پایگاه را با خود می‌آورد که این است "نگهبانی دادن ژاندارمها از حدود و نفوس و مجال و منال مردم" رئیس پایگاه که غافلگیر شده گوسفند دزد را بازداشت و وی را پس از تکمیل پرونده به ایرانشهر می‌فرستد.

### ایرانشهر

اواخر بهمن ماه فردی بنام جمالزهی که رئیس بانک استان (مانند سابق) شهرستان ایرانشهر میباشد با همکاری چند دلال دیگر کوبن‌های جمع‌آوری شده خواربار (قند و روغن) را از کانالهایی که خود می‌شناسد و قبلا نیز اینکار را کرده بفروش میرساند، افرادی که کوبنهایی خریده بودند، تمام قند و روغن موجود در نمایندگیهای توزیع را توسط این کوبنپا تریافت میکنند، بطوری که کمیون شدید کالای مزبور موجب اعتراض شدید مردم میشود و می‌گویند: در حالیکه بازار سیاه پر از قند و روغن است چرا نمایندگیها قند و روغن ندارند؟ بالآخره در اثر پیگیری مردم آقای جمالزهی بمنحرفان عامل این کار بازداشت میشود، این فقط گوشه‌ای از نزدیکی و غارتگریها در نظام سرمایه‌داری است، دزدی و فساد و رشوه‌خوا-

ری جزء لاینجزای نظام سرمایه‌داری میباشد هر فرد دیگری بجای جمالزهی بیاید او نیز اینکار را خواهد کرد برای برافزاندن کمیون گرائی عینک و دزدی و فساد، نظام سرمایه‌داری باید نابود شود.

### ایرانشهر

در اواخر بهمن ماه ۳۳ دادگاه انقلاب به نام حجت‌الاسلام قربانی جهت بازداشت‌شدگان قسمت‌بند زنان می‌رود و پس از رسیدن به بند از نگهبان می‌خواهد که بند را باز نموده و بدون آنکه کسی با او باشد به تنهایی سعی میکند، به زندانیان زن سر بزند، نگهبان بعدت مخالفت می‌کند و آقای قربانی بسا پاسبان نگهبان کلونیز میشود، اما موفق نمیشود داخل زندان برود، ناچار باز می‌گردد بعضی بازگشت‌حکم بازداشت‌پاسبان راسک را میکنند.

### ایرانشهر - ۳۳/۱۲/۷۴

کمیته‌ایها بتعقیب یک نفر قاچاق‌فروشی پرداخته موفق میشوند در اطراف ایرانشهر وی را بازداشت‌کنند، فرد دستگیر شده بسا ترستی اسلحه یکی از کمیته‌ایها را گرفته، آتش می‌کند در نتیجه خودش و یک نفر از کمیته‌ایها کشته میشوند.

### ایرانشهر - اسفند ماه

رئیس دادگاه انقلاب (قربانی) از مدتها قبل بطور نامشروع با دختری رابطه برقرار میکند و به وی تجاوز مینماید، در نتیجه دختر حامله میشود که تا مدت‌ها این راز مخفی نگه‌داشته میشود، اما بالآخره این راز برملا میشود و اینک‌سته گلی که آقای قربانی رئیس عدالت‌اسلامی جمهوری به آچه داده ورد زبان مردم شهر از بزرگ‌تسا کوچک است، اینست اعمال اسلامی و ننگین دون صفنان رژیم جمهوری اسلامی.

### ایرانشهر

حدود نیمه اول اسفند ماه شب‌هنگام افراد کمیته به خانه یکی از کارمندان اداره دارائی رفته پس از کوبیدن درب به محض اینکه کارمند دارائی به آستان در ظاهر میشود، وی را دستگیر و بخارج از شهر می‌برند تا میرده را بشدت شکنجه و مشروب نموده وی را در بیابانها رها کرده و قرار مینمایند، افراد کمیته با لباس شخصی اقدام به این عمل جنایتکارانه کرده بودند.

### میرجاوه - ۳۳/۱۲/۷۴

پی آمد تظاهرات موجود بین افراد کمیته و سپاه درگیری سختی بین آنها روی میدهد که در اثر تیراندازی طرفین یک نفر کشته میشود.

### چاه‌بهار - منطقه دستتپاری

نیمه آخر بهمن ماه بین گشت‌کمیته و ژاندارمری درگیری و جدل روی میدهد، جریان بدین قرار است که شبانه ژاندارمها ملبوس به لباس بلوچی با گشت‌کمیته برخورد میکنند به آنها ایست میدهند و کمیته‌یها بسا اینکه خود را معرفی میکنند بازداشت و به پایگاه خود می‌آورند، هنگامیکه رئیس کمیته با خبر میشود جهت آزاد نمودن افراد خود به پایگاه می‌آید، رئیس پایگاه نیز بسا کمیته و افرانش‌هدار میدهند، چنانچه جلوتر بیایند فرمان شلیک خواهد داد، کمیته‌ایها برگشته به مرکز یعنی چاه‌بهار متوسل میشوند و از گروهان ژاندارمری درخواست مینمایند تا ترتیب آزادی افراد بازداشت‌شده کمیته را بدهد و افسر خاطی را نیز تنبیه کنند، دقیقا همینطور عمل میشود و تاکنون رئیس پایگاه در بازداشتگاه بسر میبرد.

### زاهدان

اواخر دیماه: یک نفر کارشناس از سازمان برنامه و بودجه تهران به استان آمده است که چاره‌ای در مورد کسری بودجه‌یها بیاید و برآوردی از کسری بودجه‌ها نموده به مرکز اعلام دارد، همانطور که ما در شماره‌های گذشته در اخبار نوشتیم که اداره‌جات با کسری بودجه شدید مواجهند فقط اداره بهداری تاکنون با ۱۲۰ میلیون تومان کسری بودجه مواجه گشته است.

کارشناس مزبور تریبی بررسی‌های خود در می‌یابد که بعضی از اداره‌جات قادر به پرداخت حقوق بهمن ماه نیستند.

### خاش - ۳۳/۱۰/۷۴

رژیم جمهوری اسلامی همچنان به ایذا و آزار کارمندان ادامه میدهد و با صدور بخشنامه در اداره‌جات بخیال خودش به تعقیب گروههای سیاسی می‌پردازد، بدنبال همین عملیات یکی از کارمندان بهداری توسط سپاه بدون هیچ متروک و دلیلی دستگیر میشود و به جرم ارتباط با گروههای سیاسی نامبرده را مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار میدهند، بعد از ۴۸ ساعت شکنجه و بازجویی فراوان که از وی هیچ اطلاعی بدست نمی‌آورند وی را رها می‌کنند.



اخبار ...

• حدود تاریخ ۱۲/۳/۷۶: بعد از ظهر ۷ ماهین حامل کارمند وزارت نیرو در نزدیکی حیطر مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و کارمند مزبور از ناحیه دست مجروح شده است محرک روز بعد خانه فردی بنام فرمحمد بر راسک مورد یورش نیروهای مسلح رژیم قرار گرفته و ویرا به همراه یک قیضه تفنگ ۳ و ۱۰۰ فشنگ نیز با خود برده اند .

• چهارشنبه شب ۱۲/۳/۷۶ در کزور نشر - بات سازمان پخش شده نیرو دیوارهای ده پوشیده از شمار و برجیب و تراکت میشود که موجب ترس و نیروهای مسلح او میگردوزاند - آرمی و خوراهای نهات منطقه برای شناسایی و دستگیری هواداران جدیداً به تکاپو می افتند اما غیر از رسوایی خود و رژیمشان چیزی عایدشان نمیگردد .

• ۱۲/۳/۷۶ بر دیوارهای راسک شعارهای مرگ بر خمینی و مرگ بر پاسدار نوشته میشود و تکاپوی نیروهای مسلح رژیم بخصوص پاسداران را موجب میشود که نقطه سنی و پوخالس بودن رژیمشان را بنمایند میگزارند .

• محرک ۱۰/۱/۷۶ در نزدیکی کدک نیز وهای ژاندارمری بسوی راننده ماهین حامل بنزین قاچاق تیراندازی می کنند و سینه او را میخاکند اما مزدوران بجای بیمارستان ویرا به ژاندارمری راسک منتقل می کنند و درحالی که حال وی بسیار وخیم بوده است برای شنا - سایی جسد نیمه جان ویرا بنمایند میگزارند .

• حدود تاریخهای ۲۲ و ۱۲/۳/۷۶ موسی صالح زهی نوزادساختی به همراه ۸ نفر دیگر توسط پاسداران کشته میشود . در این حملات شیرک پاسدار محلی نیز همراه بوده است

• ۱۱/۲۵/۷۶ محمد یوسف از اهالی راسک حین رانندگی در نزدیکی پیشین مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفته و از ناحیه پا زخمی میشود . بعد از خونریزی زیاد و اصرار همراهان تسلیم پاسداران میشود اما از رفتن به بیمارستان به همراه پاسداران خودداری می کند . وی بعد از اصرار همراهان به آنها و بوسیله ماهین پاسداران به بیمارستان میرود . طبق آخرین خبر فرد مذکور درگذشته است .

• حقوق بهمن ماه نارگران اداره راه شهرستان ایرانشهر پرداخت نند و ماه اسفند نیز تعطیل اجباری شدند . دلیل ارائه شده نیز نبود پول بوده است .

• کشاورزانیکه سال برقی ( سالیکسه در بلوچستان برقی آمده است ) از رژیم پهنوی وام گرفته اند برای پرداخت آن عیدینا مسورد نیاز قرار گرفته اند .

بدینصورت است که کارخانگی کلا وظیفه زنان است بجهداری وظیفه زنان است بافتن حمیر و گلیم و ... کار زنان است و دویدن گوسفند ان و آماده کردن برای صحرای گاهی به صحرای بردن و نگهداری از بزغالها کار زنان است ، فروش محصولات آوردن مواد اولیه حمیر ، جمع آوری میز و خرید ما بهحتاج از وظیفه مردان است علاوه بر آن مرد مالک تمام دارائی خانواده و مالک زن نیز میباشد .

زنان عشا بر صد در صد بیسواد هستند ، نر اثر بی بدی بهداشت و کمبود تغذیه و کار فوق العاده و غای بیش از دو برابر سن واقعی را نشان می دهند و آنان اکثراً زود پیر میشوند و عمرشان کم است ، زن عشا بر در کارهای روزمره خانواده تحصیل است و نقش بزرگی را ایفا می کند .

۲- زنان روستائی (عقنان) :

بعلت وابستگی روی زمین و کار مفتت - بار و طاقت فرسای کفاروزی زنان بیشتر به خانه وابسته شده اند ، مردان در حفر قنات و حفر جوی و بهره برداری از آب چشمها و عجم زمین و نگهداری درختان و سبزه ها مهارت

بیشتری کس کرده اند ، و زنان به انجام کارهای خانه و نگهداری طیور و دامهای خانگی و مواظبت از بچه ها و خدمت مردان کنیده شده اند ، هرچه آنان در مزرعه با مرد همکاری زیادی دارند ، اما کارهای مهم درست مردان میباشد . زن در جمع آوری محصول در جمع نمودن علوفه به مرد کمک میکند اما این زنان نیز از اقدام مستقل در فروش محصولات محروم هستند ، آنها نمیتوانند بدون اجازه مرد برای خرید و فروش و آنچهی که مالکیت را زیر سؤال میبرد و بزن نیز حقی میدهد اقدام میکند ، هر اینجا نیز مرد نان آورخانه قلمداد شده و زحمات زن بحساب نمی آیند .

بعلت اینکه مناسبات حقوقی روستائیی هنوز در چهارچوب رویئای حقوقی قبیله های میباشد و جمعیت روستاها نیز به قبایل و زاده ها تقسیم میشود زنان عشا بر و زنان روستائی در بهره مندی از حقوقی متابه هستند ، ازدواجها بدون گروهی بوده و این مردان هستند که برای پسران خود زن اختیار میکنند ، هر اینجا حق انتخاب فقط متعلق به مردان یعنی پدر ، برادر ، عمو و بزرگ قبیله

داماد میباشد ، نزدیکان دختر که با منطلاح مالکان وی میباشد ، هر انتخاب خواستگار آزاد هستند و معمولاً اولین خواستگار موفق خواهد بود ، هر مناسبات بدون گروهی ازدواج پسرعمو و دختر عمو و فرزندان خوبستان و وابستگان مرسوم است . دختران بهیچ رو نمیتوانند در انتخاب همسر حقی داشته باشند ، زنان با ازدیاد سن دارائی حقوقی از نظر خصیصی و مطرح بودن در خانواده و قبیله میگردد ، زنان سن تر در کارهای خانوادگی نظر میدهند برای خوش آمدگویی مهمانها می آیند در معاشرت با مردان قبایل و روستا آزاد هستند .

• اوایل اسفند چند نفر از پیرمردان همین مناطق توسط ژاندارمری و سپاه دستگیر ، زندانی و با بازجویی و مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند . اتهام آنها عبارت بوده است از : نسبت سببی یا نسی داشتن با افراد - مسلح ، مردم منقلبه معتقدند که حمله های سپاه و ژاندارمری به نهات و آب انبساطی مشتاقه و اذیت و آزار پیرمردان مزبور بارها - عنما بی پاسداران سنی و اعضای خوراهای مزبور صورت گرفته است .

شماره ۱۱

زن بلوچ

زنان زحمتکش بلوچ نه تنها همانند مردان زحمتکش بلوچ از ستم مضاعف رنج میبرند بلکه از ستمی دیگر بنام ستم جنسی در عذاب هستند . برای اینکه این ستم را ترک کنیم باید وضعیت این ستم را در رابطه با

پایگاه طبقاتی زنان بررسی کرد . از اینسرو کار زنان بلوچ را به گونه زیر تقسیم بندی می کنیم : - زنان عشا بر زنان روستائیی عقانان زنان خرده بورژوازی شهری زنان فئودالها و خوانین زنان برده ، عدم رشد نیروهای مولد موجب شده است که زن بلوچ در تولید حرکت نجوید همین دوری زن بلوچ از تولید است که وی را از نظر اقتصادی نیاز مند به مرد و به برده ای در ستوی تبدیل کرده است ، هرچه رهایی زن در وجه عام در سوسیالیسم ممکن است ، اما زنان در جامعه بورژوائی نسبت به دوران فئودالی و عشا بری حقوقی بدست آورده اند ، زنان بلوچ هنوز در رویئای ماقبل سرمایه داری زندگی کرده و حقوق آنها بر اساس رویئای حقوقی فئودالی - عشیرتی رقم زده میشود ، تفکر مسلط اجتماع نسبت به زنان تذکری ماقبل سرمایه داری است ، برای واضح شدن بهتر موضوع زنان را در رابطه با تقسیم بندی بالا بررسی می کنیم .

۱- زنان عشا بر :

زن قبیله در اثر تکرار منفات روزانه براحتی قادر است مذکهای آب سنگینی را تا مقصد با خود حمل کند زیرا که کلیه عفتوها و پخت و پزها از این طریق تامین میشود . در این رابطه مردان وظیفه ای ندارند ، نگهداری و تیمارداخت بچه ها از وظیفه زنان میباشد ، هر وقت بمردی بخواهند طعنه بزنند بوی میگویند برای نگهداری بچه خوبست مواظبت از طفلها برای مردان عمو آیند نیست دویدن بزها و تهیه دوغ و کدک و ریسیدن پشم و بافتن چادر سپاه ، بافتن حمیر ، از کار مدقت بار و روزانه زنان میباشد . حمیر بافی و تر پاره ای موارد گلیم بافی یکی دیگر از منابع درآمد خانواده بحساب میاید که توسط زنان انجام میشود . زنان عشا بر بلوچ پایه های مردان و خیلی بیشتر از آنها کار میکنند ، تقسیم کار در خانواده بین زن و مرد

اخبار ...

سراوان

مزدوران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلام می که با نجات گوناگون سترنج زحمتکشان را غارت میکنند اینبار به بهانه نفع فجر به چیر و زور اقدام به گرفتن پول از دانش آموزان مدارس و کارمندان ادارات و مغازه داران و کسبه شهری نمودند مزدوران رژیم در روستاها که در غوراها ایلامی جا خوش کرده اند . نیز اقدام به جمع آوری پول و کمک به بهانه کمک به جیبه و کسری بودجه نمودند . این حرکات و اعمال هنوز ادامه دارد . مزدوران می پندارند بدین صورت قادر خواهند شد عمر رژیمی را که سرعت رو به سرنگونی می رود چند مباحی تراژتر کنند .

سراوان

در رژیم سفیهان هر فساد که بگوشی ممکن است مرعوب پارتی بازی به طرفتاری جز امور روزمره درآمده اند . در همین رابطه مسئول امور اداری بهداری سراوان که فردی ساواکی بوده و در اوایل تصفیه شده اما دوباره بعلت تجربیاتش که مورد نیاز بود به کار قبلی فراخوانده شده است به یکی از خدمتگزاران دستوراتی میدهد . خدمتگزار زحمتکشی جواب میدهد من فقط در چهارچوب وظایف عمل می کنم و از هرکسی دستور قبول نمی کنم . رئیس امور اداری عیبانی شده به گوش خدمتگزار سیلی میزند . خدمتگزار نیز رئیس امور اداری را زیر لگد و مشت میگیرد و پاسخ دندان شکنی بوی میدهد . دو روز بعد رؤسای اداره بهداری خدمتگزار را به نقاط دور دست تبعید میکنند .

سراوان

۳۳/۷/۱۵ در منطقه مرزی کوهک - آسکان ( پایگاه گزستان ) همان حوالی که لیلیف کشته میشود . دو کمیتهچی یا موتورسیکلت عازم آسکان بوده اند در مسیر راه توسط افرادی کشته میشوند . جسد آنها روی موتورسیکلت خودشان بسته و به آتش کشیده میشود . ایلحه های کمیتهچیها را نیز با خود می برده پاسداران مستقر در پایگاه گزستان با پاسگاه آسکان پیوسته در حال تماس بی بیسی می باشند وقتی درمی یابند دوبرابر به مقصد نرسیده اند به تکاپو می افتند . بعد از جستجوی فراوان با ایجاد سوخته آنان روبرو شده توسط هلی کوپتر اجساد را بشهر انتقال میدهند . کشته شدن کمیتهچیها موجب سرت توده های

زحمتکش و زجر حکومتگران میشود ، متعاقب این جریان هر ریم تمام راههای مرزی و اطراف را به تصرف درمی آورد و حکومت نظامی اعلام ندهای در سراوان برقرار میکند . برای این دو فرد در شهر سراوان تشییع جنازه ای ترتیب داده میشود که با عدم استقبال توده ها روبرو گشته و کسی در آن شرکت نمی کند .

- در مورخه ۳۳/۱۱/۵ در یکی از روستا های سوران بنام روستای گنگشورا ایلامی تشکیل میدهند ، که وظایف این غورا بطسور مخفیانه بدین شرح اعلام میدارند : بررسی و تحقیق و تهیه گزارش در مورد گروه های سیاسی و انقلابی . بررسی و تحقیق و تهیه گزارش در مورد قاچاق فروشان ، اغرار ، افراد مهاجر و آنهاشی که جهت کار به کشورهای عربی میروند . زیر نظر گرفتن حرکات معلمین و تهیه گزارش به ستاد غوراها . جهاد سازندگی بخود اسم ستاد غوراها گذاشته است . رئیس غورا در پی خوش خدمتی به رژیم اقدام به اینکار میکند توده های مردم منوجه حرکات وی گشته وی را رسوا می نمایند تا جایی که وی از غورا کنار می رود .

\*\*\*\*\*

سراوان و تمام استان

از اوایل دی ماه طی بخشنامه ای از زاهدان به دارائشهای تمام شهرستانها از آنها خواسته میشود که مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم را جهت جبران کسری بودجه دولت و ترمیم آن به حداکثر رسانده و بهر طریق عده حتی با تصویب قوانین از طریق دادگستری مردم را وادار به پرداخت مالیات نمایند . در این رابطه خود مدیرکل دارائی استان به تمام شهرستانها رفته است و در این مورد روسای دارائی شهرستانها را توجیه نموده است . روسای دارائشها برای خوش خدمتی و انتظار ترفیع و پاداشی برگهای مالیاتسی صادر نموده برای کاسب کاران خرد (زحمتکشان شهری) فرستاده اند ، مبلغ مالیاتی که بسر مغازه آنها بسته شده بخش عظیم و تریاره ای موارد برابر با درآمد آنها میباشد مغازه داران در این مورد اعتراض کرده و از پرداخت مالیات خودداری مینمایند و اظهار میدارند چنانچه چنین درآمدی می داشتیم تاکنون وضع مان بهتر شده بود ، آنهاشی که ثروت و درآمد شان بیشتر بود از قبیل بازرگانان و تاجرها با دادن رشوه به رؤسای دارائسی میزان مالیات خود را کم نموده اند اما روسای بهداری و نوکران رژیم که به مردم هیچ توجیهی ندارند به اعتراضات توجیهی ننموده و طبق قوانین خود با مردم به پیش میروند .

سراوان - ۳۳/۱۰/۲۰

در مدت طولانی که به علت کمبود نفت در محل پمپ بنزین ایجاد شده بود بیک افسر ژاندارمری بهمراهی دو ژاندارم سعی میکردند خارج از نوبت نفت دریافت دارند که بسا اعتراضی فردی که نوبتش بود مواجه شدند . افسر مذکور به اعتراضات توجیهی ننموده شروع کرد به اهانت به فرد زحمتکشان که از اهالی جالی بود . فرد زحمتکشان که انتظار چنین برخوردی را نداشت و عموماً اهانت و ناسزا برای زحمتکشان نداشت به افسر حمله ور شد . توده هاشی که در آنجا حضور داشتند از فرد زحمتکشان حمایت نموده و صدای اعتراضشان به این گونه اعمال بلند میشود کمیتهچیهای مستقر در پمپ بنزین که بسیاری چنین لفاظی آماده اند برای جلوگیری از گسترش مسئله فرد زحمتکشان را دستگیر و با خود میبرند .

سراوان

در مورخه ۳۳/۱۱/۶ در منطقه مرزی کوهک ( گزستان ) جوانی بنام لطیف دهواری ساکن کولو که برای بست آوردن لقمه ناننی با کله سبی و حنک و نقل جزئی کالا به شهرهای مرزی ایران و پاکستان مشغول بوده است . توسط گدشی های ژاندارمری مورد حمله و تیراندازی قرار میگردد . وی خودروی خود را متوقف میکند و پیاده میشود ژاندارمها وی را به رگیار می بندند . و لطیف جان می بارد . عمل ژاندارمها مورد تنفر شدید تمام اهالی سراوان قرار گرفته ، فامیل مقتول به داخواهی میپردازند ، افسر پاسگاه بعدت چند روز بازداشت می گردد ولی پس از گذشت چند روز از طریق دادگاه آزاد میشود . فامیلان مقتول دوباره به بیدادگاههای جمهوری شکایت می برند و خواستار مجازات افسر میشوند . اما چون همیشه هیچکس به داخواهی زحمتکشان گوش نمی سپارد .

سراوان

به علت کسری بودجه دولت حقوق بهمن ماه کارمندان بهداری ، بهداشت محیط ، مالاریا و چند اداره دیگر بعد از ۲۰ روز تاخیر در ۲۰ اسفند ماه ۳۳ واریز گردیده است و اضافه کاری کارمندان پرداخت نشده است در این رابطه کارمندان بیمارستان از انجام اضافه کاری خودداری نموده و اعلام نموده اند که فقط ۸ ساعت کار مقرر را انجام خواهند داد اما از جایی که دولت با کمبود نیرو روبرو است مسئولین بهداری به زور و تهدید به کارمندان اعلام نموده اند که باید اضافه کاری انجام دهند . کارمندان همچنان سرخست برآفتند که بدون پرداخت حق اضافه کاری ، اضافه کاری انجام ندهند .



# جدال

## تقویم اسفند ماه

- ۱۳۵۰ سالوئی محمد توکلی و غلامرضا گلوی بهیمن آرنک سعید آریان و عبدالکریم حاجیان - پله
- ۱۳۵۲ یکشنبه ۱۲ اسفند - شهادت فدائی خلق مجتبی خرم آبادی
- ۱۳۴۴ سه‌شنبه ۱۴ اسفند - مرگ صدق
- ۱۳۶۱ شهادت فدائی خلق ناصر نجم‌الدینی
- جمعه ۱۷ اسفند - روز همبستگی بین‌المللی زنان
- شنبه ۱۸ اسفند - شهادت فدائی خلق عبدالرضا کلانتر نیستانی
- ۱۳۵۵ چهارشنبه ۲۲ اسفند - شهادت فدائیان خلق مناف فلکی، علی‌رضا نابدل، حبیبی امین نیا، جعفر اردبیلیچی، محمد علی نقی زاده، اسفند عرب‌هریسی، اکبر موید علی نقی آرش و حسن سرکاری
- ۱۳۸۲ پنج‌شنبه ۳۳ اسفند - مرگ مارکی
- جمعه ۲۴ اسفند - شهادت فدائیان خلق محمد رضا بهکیش (رفیق کاظم)، نظام محمد آزادی، عباس میعمر پنجه‌شاهی (رفیق خنایار)، امیر جواد غنوریان
- ۱۳۶۰ شنبه ۲۵ اسفند - شهادت فدائی کبیر احمد غلامیان لنگرودی (رفیق هادی)
- ۱۳۶۰ یکشنبه ۲۶ اسفند - شهادت فدائیان خلق علی اکبر صفائی، فرحانی، مجتبی انفرادی، احمد فرهودی، اسکندر رحیمی، هادی فاضلی، اسما، عیال معینی عراقی، مناع الدین شمس‌دی، هادی بنده خدا، لنگرودی، عباس‌دانش‌بهزادی، محمد علی محدث قنجهی، غفور حسن پور اسفندی، هوشنگ تیری، ناصر سیف‌دلیل صفائی
- ۱۳۴۹ دوشنبه ۲۷ اسفند - تشکیل کمون پاریس
- ۱۳۸۷ چهارشنبه ۲۹ اسفند - ملی شدن صنعت نفت
- ۱۳۶۱ شهادت فدائیان خلق تیمور ستاری، منصور سعیدی، اقبال طاهرخو، بهاء الدین نگهداری خسرو قره داغی میرورس‌خرده بهین

اسامی تعدادی از رفقای فدائی که تاکنون تاریخ دقیق شهادت آنان مشخص نشده است: فدائیان خلق:

رشید ملاحسی، رضا نعمتی، توکل اسدیان، مصطفی قزل‌ابا، منوچهر کلانتری، نظری، علی، فرزاد بیگلری، عباس‌زارع، سعید علی، اشترانی، فرید، علی، رشید سعید بهیمن آبرگمیان.



بگیرید. فدوس‌خان همه‌ای میگفت که من نماینده سراوان هستم سهم خودم را از بلوچ خان میخواهم. بلوچ خان میگفت من میدانم و حاجی مرادبخش و محمد خان که قصد دارد جاننشین مولاداد بشود میگفت همه چیز زیر سر مولاداد است.

آری تقسیم ثروت‌های با‌آورده‌ای که از دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران و جهان توسط مشتی غارتگر و خفاش و خون‌آشام بنام سرمایه‌دار به پغما برده شده است و اینک در دست سلطنت‌طلبان برای برگرداندن سلطنت صرف میشود و آنها دوستان خود را از میان کسانی انتخاب کرده‌اند که خوب میدانند امکانات مالی و تسلیحاتی سلطنت‌طلبان را چگونه خرج کنند.

ولیعهد و بختیار با خیال خودسان ایران را از طریق بلوچستان میخواستند آزاد کنند بقول یکی از خاها که در همان جلسه گفته: بما گفته بودند کودتا کنید ۰۰ آیا خا‌های بلوچستان واقعا میتوانند کودتا کنند؟ آری کودتا علیه امکانات مالی سلطنت‌طلبان و علیه همپالگهای خود. آری مولاداد خون‌آشام که اینک میلیون‌ها روپیه پاکستانی زمین‌خریده و پمپ‌بنزین و شرکت ساختمانی نیز برای خوشی ترتیب داده هم پیمانان خود را نیز فریب داده است.

هزاران قبضه اسلحه میلیون‌ها تومان پول توسط میرمولاداد گرفته شده است و در قبال آن بلوچستان را به سلطنت‌طلبان قبایله کرده است و سایر خوانین که خود را وارث بلوچستان می‌بینند و سهم زیادی به آنها ترسیده اینک ناراضی بوده و برعلیه مولاداد افشاکاری می‌کنند تا جایی که یکی از خوانین عمبانی شده و فریاد برآورده است کجا هستی ای جوانان، کجاست این بامی‌استار که برعلیه خاندان خوانین بنویسد.

استانداران بامی‌استار یعنی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بلوچستان با خلق خود عهد بسته‌اند تا برقراری حکومت زحمتکشان و محروم و استثمار طبقاتی و نابودی سرمایه و خان و هر استثمارگر دیگر دمی از فعالیت نشینند. آری این شوخی تاریخ است که دشمنان بامی‌استار با وجود فاصله مکانی فراوان بامی‌استار را بعد می‌طلبند. اما بامی‌استار مخالف هر نوع خان و هر نوع استثمار و هر نوع بهره‌کشی و هر نوع خیانت است. بامی‌استار یک هدف والا را تعقیب می‌کند و آنهم برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان می‌باشد.

(۱) بجار کمکی است که بلوچها در هنگام معانبت به همدیگر می‌کنند.



در کدام بازار میفروشم، قسم میخورم، بلوچ خان عمبانی شده میگویی: قسم تو قبول نیست خمینی تا نک و توپ و قطعات هواپیما قاچاقی میخورد من خودم اینکار را میکنم. هلسی -

کوپتر میخواهی برایت بیاریم. آنوقت برای تو فروش ۳۰۰۰/ اسلحه کار نشواری است. قدوسی‌خان که تا حال ساکت بوده فریاد میزند از اول هم میدانستم که مولاداد با ما اینکار را میکند. من با هیچ کس کاری ندارم چون سهم اسلحه سراوان با سهم زاهدان بوده من نماینده مردم سراوان هستم و سهم خودم را از حاجی بلوچ خان میخواهم.

محمد خان میگویی: چندی قبل که با بختیار ملاقات داشتم وی همه چیز را بمن تهمینین وی نیز گفت که علاوه بر اینها هزار بوده است که ۶۰۰۰ قبضه دیگر نیز بعد وی از این نزدی مولاداد بدست عمبانی‌ونارا - حیات. آنگاه رو کرد به مولاداد و با لحنی آمرانه گفت قبضه دلارها را چکار کرده. ای مولاداد این خان مزور و ناپاک مخانی که تاکنون کمتر کسی بوی آنها از بلوچها امرو نمی‌کرده است اینگونه برخوردها برایش سنگین تمام شده لب‌باز میکنند و میگویی دلاری ندیده‌ام فقط یکبار ۴۰۰۰۰ روپیه و بار دیگر ۶۶۰ هزار روپیه بمن پرداخت شده.

محمد خان میگویی اینها فقط دو قسم است قبضه را بگو و اونگی اینها روپیه پاکستانی نبوده‌اند بلکه دلار بوده‌اند قبضه را بگو و وی اظهار میدارد دیگر نیست همینها هستند. محمد خان رو میگفت به جمعیت که میگویی شنیدید. عده‌ای میگویی ما هم مان را میخواهیم. جلسه بدو سه تقسیم ده بود یکطرف مولاداد حاجی مرادبخش یابا، اما مان الله باران، ایوب‌خان سعید خان و طرف دیگر قبضه این افراد با مولاداد غریک بوده‌اند اما غرکائی که با مقداری ناچیز راضی شده‌اند. محمد خان ادامه میدهد: رفتم ملاقات مدنی هوی‌شوالائی از من نموده است بخصوص در مورد امان الله باران. امان الله باران که تاکنون ساکت بوده با شنیدن اسم خودنجا میخورد کسی من من میکند و میخواهد حرف بزند که محمد خان اجازه نمیدهد و خوشی اینطور میگویی باران پیش مدنی رفته است و گفته است که "نفرات" باران در کوههای بلوچستان بدون توشه هستند. باران صورت جلسه‌هایی را به مدنی نشان میدهد مدنی برآنکه باران نماینده واقعی بلوچها است. مدنی میلسخ ۳۰۰/۰۰۰ دلار بوی میدهد.

محمد خان رو میگفت به مولاداد که سهم ما را بنمید یا رسوایتان می‌کنیم. مولاداد با فرور خاصی میگویی ما گرفته‌ایم شما نیز

## زندانی سیاسی به قدرت توده‌ها آزاد باید گردد

بررسی

و آن اینکه باید مبارزات توده‌ها را برتذکلیت های توده‌ای سازماندهی نمود و تشکیلات هواداران جایی برای سازماندهی نیروهای هوادار میباشد حال در این تذکلیت تفاوتی ندارد که نیروئی که به جنبش کمونیستی روی می‌آورد معلم باشد یا کارگر هرگونه تفاوت حرفه‌ای در تشکیلات هواداری وجود ندارد.

اینکه خط ۳ از نظر تاریخی و جهانی رسالتی برای رهبری مبارزات زحمتکشان تا برقراری سوسیالیسم ندارد امری بود قابل پیش‌بینی و بدون شبهه. ولی خط ۳ قادر بود بصورت منطقی ضرباتی بر جنبش و تداوم بپردازد گوی نیروهای ضد رژیم آنها تا بعد زمانی مشخصی ببار آورد و این گونه هم شده مدتها قبل از تغییرات ۳۰ خرداد پیکار بچار بحران شده بود. بحران نیروئی پیکار آنقدر عمیق و پیچیده و لاینحل بود که عده کثیری از نیروهای اصلی آن در بلوچستان تصفیه گشته و ادامه همین بحران که سرتاسری نیز بود و فشارهای ۳۰ خرداد بعد موجب تلافی آن گردید. بنابراین قدم ما برخورد همه جانبه به انحرافات پیکار و سایر خطهای مدعی مارکسیسم نیست. بررسی ما بیشتر برخورد به نیروی اجتماعی حامی چغخا میباشد چرا که اعتقاد بر این داریم در نهایت خطی که باید زحمتکشان را به سوی دنیاوی سعادت بار سوسیالیسم رهنمون شود خطی است که سرخی راهی را از ایمان عمیق به توده‌ها و پیروزی حتمی آنها گرفته است و بحکم تاریخ این خط در برهه تاریخی کنونی خط مارکسیسم - لنینیسم یعنی خط فدائوسی میباشد. پس برخورد خلق و سازنده به گذشته چه بصورت ترونی تشکیلاتی و چه بصورت مطرح کردن در سطح جنبش می‌تواند آینده را از خطا و تکرار اشتباهات گذشته میرا سازد.

باری هفت مرکزی هواداران درصدد متذکلیت نمودن و نزدیک و انجام هرچه بیشتر محفلهای موجود در سطح استان برآمد و آنها را هرچه بیشتر در جهت رهبری مبارزات زحمت کشان بلوچستان رهنمون گردید. با لاین خط رفتمیستی اکثریت نقله عطفی در وحدت بیشتر نیروهای راستین م - ل و معتقد به خط راستین فدائی بحساب می‌آید. انتشار نشریه بسامی استار بعد از انضاب گام دیگری در وحدت بخشدن به صفوف نیروهای هوادار و انکاس مبارزات زحمتکشان و آگاهی بخشدن و بالا بردن شعور سیاسی زحمتکشان داشت. به طوری که بعد از اندک مدتی بسامی استار بصورت یک نشریه محلی با تیراژ وسیع و توده‌گیر در آمد. هو نیروهای هوادار سازمان در محاسلات سیاسی - اجتماعی نقش تعیین کننده داشتند. در اولین انتخابات مجلس که هواداران در آن شرکت داشتند کاندیدای هواداران در دور اول

علیرغم تمام تبلیغات ارتجاع و موافقی که برای تبلیغات و شرکت وسیع هواداران از سوی حاکمیت و ملاحی مرتجع و خوانین بوجود آمد اکثریت زحمتکشان به کاندیدای هواداران - چغخا رای دادند این موفقیت نمی‌توانست موجبات وحدت ارتجاع را فراهم نکند از اینرو انتخابات را بدور دوم کفانده و با تقلبات فراوان و موانع عدیده نماینده لیبرالها به مجلس ارتجاعی رفت. اما واقعیت عظیمی را آشکار ساخت و آن اینکه نفوذ شگرف نیروهای معتقد به رهائی زحمتکشان را در میان زحمت کشان بسیار است.

هواداران چغخا با اینکه درک برتری از رهبری خیزشهای مسلحانه توده‌ای نداشتند اما با مورد حمایت قرار دادن آنها گام دیگری در رهبری مبارزات خلق برداشتند جنبش دانش‌آموزی جنبه‌ای دیگر از مبارزات خلق به نمایندگی می‌گذاشت و رهبری آن عمدتاً در دست نیروهای هوادار بود. خلاصه هواداران همعجا بودند و هر کجا نشانی از مبارزه و جدیتی از ناراضیاتی بود هر کجا زحمتکشی مورد تعدی قرار میگرفت هواداران از آن حمایت و با همی استار آنها منعکس می‌نمود. بحق می‌توان گفت که هواداران سازمان در افشا و طرد خوانین این نوکران واقعی امپریالیسم و سلطنت طلب بزرگترین نقش را داشتند هنوز که هنوز است خوانین از دیدن با همی استار همچنان بخود می‌لرزند خوانین دشمن اصلی خود را در منطقه نیروهای هوادار سازمان ارزیابی میکنند.

با تمام اقدامات انقلابی و موفقیت باری که تشکیلات هواداران در منطقه انجام میداد اما این نیرو و بخصوص جنبش کمونیستی در بلوچستان تعنهائی داشت که آنها را بگونه زیر جمع بندی می‌کنیم:

- ۱- بوجود آمدن محفلهای کمونیستی در جوی نیمه دمکراتیک
- ۲- عدم وجود کادرهای کمونیست (انقلابیون حرفه‌ای)
- ۳- عدم وجود برنامه متناوب و روان بودن بدنبال جنبش خودبخودی
- ۴- نداشتن یک تحلیل جامع از منطقه و اشکال و شیوه‌ها و روحیات مبارزاتی خلق بلوچ
- ۵- ضعف تئوریک و کم تجربی جوان بودن جنبش در منطقه

\*\*\*

۱- بوجود آمدن تشکیلات هوادار در جوی نیمه دمکراتیک:  
همانطور که دیدیم تشکیلات هواداری که ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و خط سیاسی سازمانهای سیاسی موجود در کشور را برگزیده بودند در شرایطی بوجود آمدند که در کتوریک جو نیمه دمکراتیک در پی وقوع یک قیام توده‌ای وجود داشت. هرچه نمی‌توان براین ابراردی گرفت که چرا در این شرایط تشکیلات کمونیستی متولد شد و در دو سال قبل نه. مسلماً در این

برهه شرایط برای بوجود آمدن آماده بود و صد سال قبل نه. سیر تکامل اجتماعی خارج از اراده انسان میباشد. اما میتوان اینرا گفت که تولد تشکیلات کمونیستی در چنین شرایطی ضعفها و کمبودهای خاص تاریخی خود را دارد. در چنین شرایطی که انقلابی بودن و مارکسیست شدن بصورت مد و یک چیز عامه پسند در می‌آید و روی آوری به مارکسیسم نه از روی اعتقاد واقعی و درک عمیق مارکسیسم بلکه از روی پیوستن به ارتشند حکومت و ضدتنگسری صورت میگردد صف مارکسیستهای واقعی و انقلابی بیون پیگیری یا یاران نیمه راه بسختی جدا میگردد و آنگاه که شرایط مبارزه دشوار میشود معلوم میگردد که چه کسانی باقی می‌مانند. کمونیستها و تشکیلات آنها در شرایط سخت و در معانی سخت‌تر می‌یابد که چگونه باید ادامه کاری را تضمین کنند چگونه باید زیر سایه شعوب و خفقان و شکنجه و اعدام توده‌ها را رها نکنند.

در شرایط نیمه دمکراتیک از بچه خان گرفته تا بچه مولوی و فرزند زحمتکشان به مارکسیسم روی می‌آوردند اما بچه خان و مولوی و سرمایه‌دار از مارکسیسم آنجیزی را میجو. است که برایش پذیرفتنی بود و آنگاه که منافع طبقاتی آن زیر سؤال میرفت یا منغفل شدند و یا به جریان حزب توده و اکثریت روی آوردند البته برخی چون رفیق شهید خسرو مبارکی که از طبقه خود بریده بودند مستثنی هستند. تشکلهای م - ل در منطقه که در این شرایط بوجود آمده بودند تجربیاتی فرزمینه مقابله با پلیس سیاسی و سازماندهی مبارزات توده‌ها نداشتند این تجربیات را می‌توانست جنبش کمونیستی سراسری بدهد علیرغم انتقال تجربیات جنبش کمونیستی سرتاسری که تا نیرسی شگرفی را در بالا بردن انجام تشکیلاتی و پرورش کمونیستها داشت اما پاره‌ای از ضعفهای جنبش کمونیستی سرتاسری نیز به این قسمت از جامعه ایران نیز انتقال میافتد که سازمان جریکهای فدائی خلق آنها را در اولین کنگره خود بعد از انضاب جمع بندی نموده است.

- ۱- عدم وجود کادرهای کمونیست (انقلابیون حرفه‌ای)؛

هدف ما جدا کردن جنبش کمونیستی بلوچستان از ایران بدینصورت که چون انقلاب بیون حرفه‌ای از ملیت بلوچ وجود نداشت پس جنبش کمونیستی ضعیف بود نیست. مارکسیسم به ما می‌آموزد که در تشکیلات کمونیستی هیچ گونه تفاوت ملی و جنسی و نژادی نمی‌تواند داخل شود. باید کمونیستها با دیدگاهی که آغشته به موارد بالا باشد بددت و بیرحمانه مبارزه کنند. هر روز چنین دیدگاهی در میان کمونیست های ملیتپاشی که روپنای عشرتی - فئودالی از بین نرفته است محتمل میباشد. هدف ما از کادر انقلابیون حرفه‌ای با تجربه و کسانی که حرفه آنها فقط انقلاب و پرداختن به کارهای تشکیلاتی و انقلابی باشد میباشد.



### بررسی

برای رهبری جنبش انقلابی خلق و سازمان های توده ای سازمانهای انقلابیون حرفه ای لازم است. این سازمانهای انقلابیون حرفه ای گرچه در سطح کشور وجود داشتند بعنوان نمونه خود سازمان چریکهای فدائی خلق که ما هواداران آن هستیم، از مشخصات کامل سازمان انقلابیون حرفه ای برخوردار است. در تشکلهای هواداری بخصوص در بلوچستان به علت جوان بودن و بی تجربگی سعی میشد تمام هواداران در یک تشکیلات سازماندهی شوند. و صحنه های مطالعه - تی بعنوان تشکل پایه ای که چند هوادار را در خود جای دهد در نظر گرفته شود سازماندهی بر اساس وظایف بلکه بر اساس صحنه مطالعه است. تشکل هواداری جداسازی و پرورش انقلابیون حرفه ای و پیوند هرچه بیشتر و تنگاتنگ با جنبش کمونیستی سرتاسری را در دستور قرار نداده بود و در نتیجه یافت که باید قیل از هر چیزی انقلابیون را پرورش داد که بتوانند در هر شرایط امر مخفی کاری و ادامه کاری که لازم تداوم مبارزه میباشد همیشه برود مبارزه یک امر اجتماعی است و برای رسیدگی به آن اشخاص متخصصی لازم است که مستقلا و فارغ از هر حرفه ای بدان بپردازند و جنبش - ل در منطقه از این بابت به شدت ضعیف بود و بخصوص که پرورش لیام گسیخته ارتجاع بعد از ۳۰ خرداد بزرگترین ضربه را در این باره وارد نمود. پرورش انقلابیون حرفه ای و تشکیلات مخصوص آن و پیوند هرچه بیشتر و دیالکتیکی تشکل حرفه ای هواداران با سازمان سرتاسری و وظیفه دانشی است که برای پیروزی زحمتکشان امری جدی و حیاتی میباشد. باین امر بهای زیادی داده نمیشود و مفاد انقلابیون حرفه ای از غیر رفاهیها قابل تمیز نبود. دانش آموز و کارمند و حتی دهقان ۰۰۰ را تلقین داشتند در تشکل وارد کنند. رعد تشکیلات بر اساس هیچ معیاری صورت نمی گرفت هر کسی بصری خواندن یک یا چند عدد کتاب و پذیرش یک خط سیاسی عنصری تشکیلاتی بحساب می آمد. شورای دانش آموزی و ۰۰۰ نیز وابسته به خطی مخصوص ارزیابی میشد. وسعت مبارزه در میان ملیت بلوچ چنین خواستی را بپیمان میکشد که هواداران در این جهت خود را پرورش نهند. حوادث ۳۰ خرداد بیعد و سخت شدن شرایط مبارزه صف بندیهای را در این زمینه ترسیم نمود عناصری که قبلا هم جز تشکل بودند و هم حرفه ای داشتند بالاجبار حرفه را رها نموده و به

حرفه انقلابی روی آوردند. پیکار داغمان عده بود و از صحنه مبارزاتی محو گردیدند. هواداران سازمان با ترک شرایط، سازماندهی مناسبتر و انتخاب دقیقتری از اعضا بعمل آوردند. هرچه ضربات کوبنده ای که بعداً

ران آن هستیم، از مشخصات کامل سازمان انقلابیون حرفه ای برخوردار است. در تشکلهای هواداری بخصوص در بلوچستان به علت جوان بودن و بی تجربگی سعی میشد تمام هواداران در یک تشکیلات سازماندهی شوند. و صحنه های مطالعه - تی بعنوان تشکل پایه ای که چند هوادار را در خود جای دهد در نظر گرفته شود سازماندهی بر اساس وظایف بلکه بر اساس صحنه مطالعه است. تشکل هواداری جداسازی و پرورش انقلابیون حرفه ای و پیوند هرچه بیشتر و تنگاتنگ با جنبش کمونیستی سرتاسری را در دستور قرار نداده بود و در نتیجه یافت که باید قیل از هر چیزی انقلابیون را پرورش داد که بتوانند در هر شرایط امر مخفی کاری و ادامه کاری که لازم تداوم مبارزه میباشد همیشه برود مبارزه یک امر اجتماعی است و برای رسیدگی به آن اشخاص متخصصی لازم است که مستقلا و فارغ از هر حرفه ای بدان بپردازند و جنبش - ل در منطقه از این بابت به شدت ضعیف بود و بخصوص که پرورش لیام گسیخته ارتجاع بعد از ۳۰ خرداد بزرگترین ضربه را در این باره وارد نمود. پرورش انقلابیون حرفه ای و تشکیلات مخصوص آن و پیوند هرچه بیشتر و دیالکتیکی تشکل حرفه ای هواداران با سازمان سرتاسری و وظیفه دانشی است که برای پیروزی زحمتکشان امری جدی و حیاتی میباشد. باین امر بهای زیادی داده نمیشود و مفاد انقلابیون حرفه ای از غیر رفاهیها قابل تمیز نبود. دانش آموز و کارمند و حتی دهقان ۰۰۰ را تلقین داشتند در تشکل وارد کنند. رعد تشکیلات بر اساس هیچ معیاری صورت نمی گرفت هر کسی بصری خواندن یک یا چند عدد کتاب و پذیرش یک خط سیاسی عنصری تشکیلاتی بحساب می آمد. شورای دانش آموزی و ۰۰۰ نیز وابسته به خطی مخصوص ارزیابی میشد. وسعت مبارزه در میان ملیت بلوچ چنین خواستی را بپیمان میکشد که هواداران در این جهت خود را پرورش نهند. حوادث ۳۰ خرداد بیعد و سخت شدن شرایط مبارزه صف بندیهای را در این زمینه ترسیم نمود عناصری که قبلا هم جز تشکل بودند و هم حرفه ای داشتند بالاجبار حرفه را رها نموده و به

حرفه انقلابی روی آوردند. پیکار داغمان عده بود و از صحنه مبارزاتی محو گردیدند. هواداران سازمان با ترک شرایط، سازماندهی مناسبتر و انتخاب دقیقتری از اعضا بعمل آوردند. هرچه ضربات کوبنده ای که بعداً

ران آن هستیم، از مشخصات کامل سازمان انقلابیون حرفه ای برخوردار است. در تشکلهای هواداری بخصوص در بلوچستان به علت جوان بودن و بی تجربگی سعی میشد تمام هواداران در یک تشکیلات سازماندهی شوند. و صحنه های مطالعه - تی بعنوان تشکل پایه ای که چند هوادار را در خود جای دهد در نظر گرفته شود سازماندهی بر اساس وظایف بلکه بر اساس صحنه مطالعه است. تشکل هواداری جداسازی و پرورش انقلابیون حرفه ای و پیوند هرچه بیشتر و تنگاتنگ با جنبش کمونیستی سرتاسری را در دستور قرار نداده بود و در نتیجه یافت که باید قیل از هر چیزی انقلابیون را پرورش داد که بتوانند در هر شرایط امر مخفی کاری و ادامه کاری که لازم تداوم مبارزه میباشد همیشه برود مبارزه یک امر اجتماعی است و برای رسیدگی به آن اشخاص متخصصی لازم است که مستقلا و فارغ از هر حرفه ای بدان بپردازند و جنبش - ل در منطقه از این بابت به شدت ضعیف بود و بخصوص که پرورش لیام گسیخته ارتجاع بعد از ۳۰ خرداد بزرگترین ضربه را در این باره وارد نمود. پرورش انقلابیون حرفه ای و تشکیلات مخصوص آن و پیوند هرچه بیشتر و دیالکتیکی تشکل حرفه ای هواداران با سازمان سرتاسری و وظیفه دانشی است که برای پیروزی زحمتکشان امری جدی و حیاتی میباشد. باین امر بهای زیادی داده نمیشود و مفاد انقلابیون حرفه ای از غیر رفاهیها قابل تمیز نبود. دانش آموز و کارمند و حتی دهقان ۰۰۰ را تلقین داشتند در تشکل وارد کنند. رعد تشکیلات بر اساس هیچ معیاری صورت نمی گرفت هر کسی بصری خواندن یک یا چند عدد کتاب و پذیرش یک خط سیاسی عنصری تشکیلاتی بحساب می آمد. شورای دانش آموزی و ۰۰۰ نیز وابسته به خطی مخصوص ارزیابی میشد. وسعت مبارزه در میان ملیت بلوچ چنین خواستی را بپیمان میکشد که هواداران در این جهت خود را پرورش نهند. حوادث ۳۰ خرداد بیعد و سخت شدن شرایط مبارزه صف بندیهای را در این زمینه ترسیم نمود عناصری که قبلا هم جز تشکل بودند و هم حرفه ای داشتند بالاجبار حرفه را رها نموده و به

حرفه انقلابی روی آوردند. پیکار داغمان عده بود و از صحنه مبارزاتی محو گردیدند. هواداران سازمان با ترک شرایط، سازماندهی مناسبتر و انتخاب دقیقتری از اعضا بعمل آوردند. هرچه ضربات کوبنده ای که بعداً

وارد گردید نقصانی هرچند کوتاه مدت وارد آورد اما نتوانست در ادامه کار خلل جدی وارد سازد. وظیفه ای که فعلا جلوی روی مادر این زمینه قرار دارد پرورش یک تشکل انقلابی حرفه ای و حرکت در جهت پیوند دیالکتیکی با سازمان سرتاسری کمونیستی چفعا میباشد فقط بدینصورت است که قادر خواهیم بود تشکلات حرفه ای و توده ای را رهبری کنیم و به وسعت دامنه نفوذ خود در میان خلق نست پایبیم. بدینصورت است که هر فردی که در مبارزه با رژیم را دارد امکان می یابد در تشکلهای خاص توده ای دمکراتیک سازمان یابد در مرحله فعلی این تشکلهای و نهادهای توده ای دمکراتیک کمیته های مخفی اعصاب می یابد که باید تشکل انقلابی حرفه ای هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در منطقه آنها را سازماندهی کند.

طبیقاتی و مبارزه آنها با هم عمق وسعت مسئله ملی و ابعاد آن یک تحلیل از اشکال و شیوه های مبارزاتی که خلق بکار میگرفت و در فرهنگ مبارزاتی آن وجود دارد نشده بود، تا کنیکها مشخص نبودند مخط کلی و برنامه جامعی برای حرکت وجود نداشت. امروز حرکت در فلان مبارزه دانش آموزی فردا روان بودن بدنبال اعصاب معلومین یعنی انتخاب روش از این واقعه تا آن واقعه برنامه مشخص تشکیلاتی و پرورش افراد آن وجود نداشت. برنامه و پلانترم مشخصی برای حرکت در مبارزه و سازمان دادن مبارزات وجود نداشت البته این بسی برنامه ای و پراکنده نمی توانست در این استان علاج شود که جنبش کمونیستی در سطح کشور بدان بچار بود فقط بعد از واضح شدن روش مبارزاتی و بیرون آمدن برنامه عملی و مصوبات کنگره است که بمیزان زیادی بر بی برنامه گیها و سرتنگی پایان داده شد. ضعف تشویریک و کم تجربگی و جوان بودن جنبش در سطح منطقه ضعفهای دیگری بودند که بر نقصان کار شدت می بخشیدند.

جنبش کمونیستی در این منطقه محصول چنین شرایطی است. مسلما در پیش پای مشکلات و دشواریها فراوانی وجود دارد هرچند این مشکلات بزرگ و دشوار جلوه کنند، اما در نظر کمونیستها آنقدر خوار هستند که نمیتوانند مانع جدی بر سر راه ما باشند. فدائی وار باید

جنگ بی امان بر علیه مشکلات و ناراستیها اعلام کرد و با انجام هرچه بیشتر وظایف خود در زمینه تشکیلاتی و مبارزاتی تسلط بر ضعفهای تشویریک و ایدئولوژیک در جهت حرکت هرچه بیشتر و دقیقتر در مبارزه سیاسی در منطقه ادامه کاری خود را تداوم بخشیم. در شرایطی که رژیم سعی دارد ما را نابود عده قلمداد کند و در شرایطی که کما کث انقلاب و ضد انقلاب به شدت خود باقی است و قیام محتمل است در

شرایطی که توده ها هیچ توهمی از رژیم نداشتند و از آن به شدت بیزارند در شرایطی که سلطنت طلبان چشم براه و در کمین ایستاده اند در شرایطی که مجاهدین خلق با پروروزی سازش کرده و از نیروهای انقلابی فاصله می گیرند دو چندان بر وظیفه ما افزوده میشود.

این بود چگونگی بوجود آمدن و سیر رشد جنبش کمونیستی در بلوچستان متاسفانه معایب و اشکالاتی که بر سر مردیم، هرچه جنبش کمونیستی در سطح ایران به نست آورده ای بس عظیمی نست یافته کنگره سازمان به بسیاری از مشکلات پاسخ داد. تا کنیکها مشخص گردید. مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا مشخص گردید. به لطف کثوتی و بسیاری از مسائل دیگر که پاسخ مشخص داده شد. اما به علت جوان بودن جنبش کمونیستی در بلوچستان و شرایط هم در پی و متعدد نه تنها در سطح بلوچستان بلکه در سطح ایران و قطع ارتباطات در یک برهه کوچک موجب شد که هنوز پابرجا باشند. اما اینک که عزم جزم کرده ایم تا برقراری سوسیالیسم یک دم از فعالیت انقلابی باز نایستیم باید همراه و در پیشاپیش بر مشکلات و معایب تشکیلاتی برخورد قاطع و فعال نموده پیوسته بر پرورش کمونیستی خود و دیگران همت گماریم با کاستیها شدت برخورد کنیم از هیچ عیب نوجت چشم نبوشیم و بخاطر داشته باشیم که ما زمانی قادر خواهیم بود انقلاب و مبارزه زحمتکشان را رهبری کنیم که خود از سنادی رزمنده و پولادین برخوردار باشیم.



### اطلاعیه:

دومین اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره اقدامات جهت جلوگیری از گسترش درگیریهای اخیر اورامان

خلق رزمنده کرد! پیشمرگان قهرمان کردستان! خلقهای سراسر ایران! سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات!

بدنبال درگیریهای اخیر در اورامانات بین پیشمرگان حزب دمکرات و کومله، ما طی اطلاعیه ای ضرورت جلوگیری از گسترش آتی آن را به عنوان یک وظیفه عاجل برای تمامی

ضد امپریالیستی جیره جدا چه جیره په دمکراسی آذنه انت

## سالی که ...

در این زمینه بامی استار موفق بوده است و همچنان باید مبارزه علیه خوانین را ادامه دهد و باید جاسوسان خائن و دزدان بزرگ را برای زحمتکشان افشاء و خاطره خیانتهای رژیم شاه و این سگان وفادار سلطنت را در انجان زنده نگهدارد.

طبق رهنمود سازمان بامی استار باید چهره سازشکار و فریبکار مجاهدین را بسرای زحمتکشان بلوچ و سیستانی عربان سازد، اگرچه مجاهدین با ایدئولوژی و خط سیاسی که دارند قادر نخواهند بود میان زحمتکشان بلوچ که با این ایدئولوژی و سیاست سرآشفتی ندارند جای باز کند اما بهرحال بامی استار باید در این زمینه نیز به پرورش سیاسی تودهها بپردازد و مجاهدین را بعنوان یک نیروی سیاسی که راه خود را از راه تودهها جدا کرده اند و بسنه سازش با امپریالیسم چشم دوخته اند افشاء نماید. بامی استار و سایر نشریات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بدست زحمتکشان برسانید.

سالی که گذشت بحران همچنان در ابعاد وسیعتر حلقوم جمهوری را در چنگال خود فشرده و بدنبال فقر کمرشکن تودهها اعتراضات و اعتصابات کارگری گسترش یافت و اشکال عکس تر مبارزات تودهها ابعاد وسیعتری بخود گرفت جوشهای مرگ پر رونق و شکنجه گاهها وزند آنها همچنان مملو از فرزندان انقلابی خلقتهای ایران بود. سال افزایش ابعاد اعتیاد برهوه های رسمی مال تجاوز به زنان و کودکان از سوی عمال حکومت جمهوری اسلامی و نژادپسای پاسداران سرمایه از خانههای مردم بود.

سالی که گذشت سال افشای هرچه بیشتر ماهیت ددمنش و ضد خلقی حکومت جمهوری اسلامی در سراسر جهان بود.

و اینکه سال آینده را در حالی آغاز می کنیم که جمهوری سرمایه داری اسلامی بر قیام و ابعاد جنگ افزوده است. بیسی از ۳۰ هزار نفر در حملات اخیر ایران و عراق جان خود را از دست داده اند. هزار دیگر شهرهای ایران مورد حملات وحشیانه مزدوران عراقی و جمهوری سفیها نیز با حملات متقابل به شهرها و اماکن عمومی سیمیت خود را بنمایش گذاشته است. سال آینده را باید بسال قیام مسلحانه تودهها و تبدیل جنگ به جنگ داخلی، سال اعتصاب عمومی سیاسی و بسال سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق تبدیل کنیم. به پیش برای تدارک قیام.



## طبقات

و گروهی عظیم از مردم زیر بار رنج و مشقت کار طاقت فرمای روزانه با دستهای پینه بسته جان می کنند و نان ندارند که هیچ سریناهی و تاملینی ندارند. در پشت کوره های داغ ذوب فلزات و چرخهای عظیم کارخانه بسرزمینهای تفتیده در دل معادن و کوههای صعب در اعماق دریا و ... در سخت ترین شرایط کار می کنند و با کار خود تسنان و آسایش می آفرینند اما خود بی خانه و بی نان و بی آسایشند و همواره محکوم و در محلات فقیرنشین و حلبی آبادهای بزمسکنت و در بیخود لدها روزگار می گذرانند.

و گروه دیگر نمره دسترنج آنان را غارت می کنند و بر آنان حکومت می کنند. این تفاوت در بین کودکان آنان نیز بدست دیده میشود. کودکانی رنجور بی بهره از حداقل امکانات اکثرا بیمار و دچار کمبود و فقر غذایی و ضعف شدید جسمی با چشمانی پر کینه و حسرت زده با زحماتی طاقت سوز از پیش پا افتاده ترین کارها تا کارهای سخت و دشوار را انجام میدهند و در مقابل کودکان گروه دیگر سالم و خاداب با بهره مندی از بیشترین امکانات روزگار می گذرانند.

در جامعه از این گروهها با نام دارا و نادر، هنرمند و فقیر، کارگر و کارفرما (سرمایه دار) مرغیت و ارباب (خان) و ... یاد می شود.

هیچ انسان غرافتمندی نیست که با دیدن این اختلاف عمیق متاثر نباشد و از غم خورد نبرد این اختلاف از کجاست. اما هر کس بسته به اینکه جزو کدام یک از این گروهها باشد و اندیشه کدام یک از این گروهها را به او تفهیم کرده باشند به جواب خاصی خواهد رسید. زیرا این گروهها در زمینه اندیشه و فلسفه و ... نیز با هم اختلاف دارند. در طول تاریخ اندیشمندان بسیاری تلاش کرده اند بر اساس منافع طبقاتی خود این تفاوت را پاسخ دهند.

ادبیات مردمی نیز سرشار از رنج و تاسف و حسرت عمیق نسبت به این نابرابریها و تفاوت ثروت و مسکنت است. بنحویکه در اشعار و پند و اندرزها و ضرب المثلهای آنان این مسائل به انحاء مختلف بازگو شده است. به شمر زیر توجه کنید:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون  
از او پرسم که این چون است و آن چون  
یکی را داده ای صد تاز و نعمت  
یکی را نان جو آلوده در خون

چنانکه در شعر می بینیم معمولا منشا این نابرابریها تقدیر مرنوشت و حکم الهی تصور شده است و بیشتر قریب به اتفاق توده های زحمتکش نیز نسبت به منشا این تصاد دیدی ناروشن و مغشوش دارند و سردرگم. در این دنیا ی بزمسکنت خویش گاه بدنبال منشا آن در نرون خود می پردازند و به پنهان خود ناسزا می گویند و گاه به خدا کفر می گویند و از روی تاسف خود را لایق مهربانی و عطف و خدا نمی شمارند و بطریق مختلف عدم ترک مریح از علت این اختلاف را نمایش میدهند. طبقات حاکم و ثروتمندان و اغنیاء مملو از ملاکان و سرمایه داران نیز که سخت از سرنوشت خود و وضع زندگی خویش رضایت ندارند از این سرنوشتی خوشنود شده به آن نام می زنند. اندیشمندان و روحانیون و روشنفکران متعلق به طبقه حاکم کاری جز این ندارند که این اختلافات را توجیه کنند گروهی می گویند مشیت الهی چنین بوده است و حتی آنرا دلیل بر علقه خداوند نسبت به مردم فقیر و ندرت او از سرمایه داران و اغنیاء و منظر آزمایی مردم از طرف خداوند قلمداد می کنند و می گویند خداوند به "نمرود قارون" از این ثروت و قدرت ناد چون از آنها ندرت داشت نمی خواست آنها سر بسوی او کنند و تقاضای بنمایند که او مجبور به گوش دادن بشود ولی چون فقیران را دوست دارد می خواهد که آنها نیازمند باشند و دائم رو بسوی او کنند.

پاره های علت های خوئی و نژادی برای آنها قائلند بهرحال تمامی این تلاشها بر این جهت است که توده های مردم زحمتکش را متقاعد کنند که این وضع ازلی و ابدی است و مانع از عصیان و انقلاب و خورش بر علیه نظم موجود شوند. و کینه عظیم مردم زحمتکش را نسبت به غارتگران و دزدان اموال خلق تغلیف دهند و بقبول معروف سرشان را گرم کنند و کلهشان را برادرند و دردناکتر اینکه این لفاظیات را از زبان خود مردم فقیر و ستمدیده هم می شنویم و ذهن آنها را از این خرافات آبیخته اند. مثلاً می گویند "تا بوده همین بوده تا هست هم همین خواهد بود" یعنی که این وضع تغییر نمی کند پس چرا خودمان را به نرسر بیدتر بیاندازیم. یا دلائل خنده دارتری مثل اینکه اگر این اختلافات نباشد امر دنیا نمی گذرد" یا "اگر تساوی خوب بود خداوند پنج انگشت را مثل هم می آفرید" یا بقول قرآنی مزدور انگشتت اگر نباشد دکه یقه را چطور بیندیم یا اگر همه برابر باشند پس چه کسی کارهای پست را انجام دهد و در اشکال بی اعتنائی به حال دنیا و نرویشی و ... خود را نشان میدهد که خرافات و فریبهایی از این دست همه در خدمت تثبیت وضع موجود است و در اشکال فلسفی و نظریات اقتصادی و جامعه شناسانه هم با اشکالی پیچیده تر بیان شده و می شوند و مجال آن بحثها در جای دیگر است اما ما رکیزم بیاری علم بشری و دست آورد های تحقیقات علمی

۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



## اطلاعیه...

تر از پیش مجدداً آغاز گردیده و براساس - همین اخبار در اولین ساعات درگیری تعدادی از پیشمرگان طرفین را در کام خود فرو بلعیده است با توجه به سیاستهای ایمن دو نیرو بدون دخالت مسئولان نیروهای انقلابی تبدیل عنقریب آن به یک درگیری گسترده و سراسری بین دو نیروی مذکور قطعی است بدون تردید علاوه بر قربانی کردن تعداد روزافزون از پیشمرگان هر دو طرف یعنی پیشمرگانی که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی سلاح بدست گرفته اند ضربات مهلکی را نیز بر پیکر جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد وارد خواهد ساخت. امری که دو نیروی فوق اینک در عمل بی توجهی و عدم التزام خود به آنرا به اثبات رسانیده اند. آنها بایباعتنا بی به منافع جنبش انقلابی خلق کرد و سربازان از هرگونه راه حل اصولی معطلان به جریان خودبخودی حوادث سپرده و امکان درگیری مجدد در همان منطقه قبلی را فراهم آورده اند. در حقیقت میتوان گفت آنها در فاصله دو درگیری اخیر نه برای پایان دادن به هرگونه درگیری نظامی بلکه برای عملدور ساختن مجدد آن تلاش کرده اند.

همانگونه که تحقیقات هیئت اعزامی سازمان به اورامان آشکار میسازد مسائل فنی مابین این دو نیرو، کماکان همان مسائلی بوده و هستند که قبلاً نیز بارها و هر از چندگاه یکبار حزب دمکرات و کومه له برسر آنها به کشت و کندار نیروهای همدیگر دست یازیده اند. متن کامل ایمن گزارش جهت اطلاع عموم از زمینهها معلل و چگونگی درگیری ۲۵ آبانماه حزب دمکرات و کومه له در ریگای گدل شماره ۲۵ به چاپ رسیده است. مضمون این گزارش آشکار میسازد که این دو نیرو برای حل اختلافات خود در سطح منطقه بالایی نه تنها سیاستی اصولی و درستی را در پیش نگرفته اند بلکه اصولاً سیاستی برای مهار آن نداشته اند و بر ابعاد آن نیز هر لحظه بیشتر از پیش افزوده اند. ایمن گزارش حاکی است که حزب دمکرات و کومه له در طول چند ماه حضور مشترک در منطقه اورامان بارها در انتظار توده های زحمتکش منطقه به روی یکدیگر اسلحه کشیده سنگرگیری کرده و در نهایت بدون آنکه هیچکدام از طرفین در جهت حل اصولی اختلافات خود حرکت کرده باشند، این برخوردها در سیر خودبخودی شان به درگیری ۲۵ آبانماه منتهی گشته است و درجریان خود به قساوتی از قبیل اعدام اسرا و سوزاندن اجساد شهدا منجر گردیده است. و همانطور که گزارش هیئت بروشنی بر آن صحت گذاشته است بعد از درگیری ۲۵ آبانماه نیز علیرغم اقدامات مشترک دو نیرو و سیاست حاکم بر نیروهای هر دو طرف در منطقه، نه تنها در جهت جلوگیری از هرگونه درگیری بلکه دقیقاً در جهت دامن زدن به آن در ابعاد

بسیار فراتر از درگیری قبلی بوده است. آنها قبل از همه سنگربندی علیه هم و آرایش نیرو در مقابل یکدیگر را به سیاست اصلی خود در منطقه تبدیل ساخته و در مجموع جو متشنجی را در اورامان بوجود آورده بودند. تنها عاملی که از اشتغال مجدد درگیری جلوگیری می نمود بدون تردید، کورسوی اقدامات مشترک طرفین بود که بلافاصله بعد از اعلام رسمی بن بست اینگونه اقدامات و عقیم وسی نتیجه عملها در درگیری مجدد، مشتمل گشت.

اقدامات مشترک حزب دمکرات و کومه له از جمله تشکیل یک کمیسیون مشترکی بود که از همان آغاز نیز محکوم به شکست قطعی بود. حزب دمکرات و کومه له برای اولین بار نبود که بعد از هر درگیری به تشکیل چنین کمیسیونها نیست میزدند. کمیسیونهای بی هویت و بی اراده ای که هیچگونه التزام اجرایی نداشته و بنا به خواست طرفین نمیتوانست هم داشته باشد. همانطور که در گزارش هیئت اعزامی شاخه کرستان به اورامان نیز آمده است وضعیت کار این کمیسیون در منطقه و بازگشت بی نتیجه آن از اورامان بهترین دلیل بین بست قطعی آن بود. حزب دمکرات و کومه له به خوبی آشکار ساختند که علیرغم گردن نهادن به کمیسیون مشترک خود، در این مورد متخاص نیز با وقوف کامل به بی ثمر بودن اقدامات این کمیسیون در طول این مدت هرکدام بنحوی و با استفاده از دفعالوقت کار کمیسیون به آرایش قوای درونی خود پرداختند. چگونگی برخورد آنها به مسئله تشکیل یک کمیسیون مشترک واقعی و عدم التزام هر دو نیرو به آن این بار نیز آشکار ساخته که آنها در شرایط کنونی، تنها راه حل نظامی را برای حل اختلافات خود برگزیده اند. روش و شیوه های برخوردی که از هیچ منظر معینی جز منطقی گلوله برخوردار نیست.

هیئت اعزامی ما در نتیجه گیری گزارش خود اعلام کرده بود:

اگر قرار باشد کمیسیونی متشکل از نیروهای انقلابی تشکیل گردد باید همین امروز به تشکیل آن اقدام کرد چرا که فردا بسیار دیر خواهد بود. تاکید هیئت بر آن بود که چنین کمیسیونی می باید با قید التزام طرفین مسائل مربوط به درگیری ۲۵ آبانماه را ریشه یابی و حل نماید و در عین حال معیارها و اصول متخصی را جهت تنظیم روابط ایمن دو نیرو در آینده تثبیت نماید.

درست همانگونه که هیئت اعزامی کمیته کرستان پیش بینی کرده بود می باید گفت امروز با توجه به ادامه و تجدید این درگیریها بسیار دیر شده است. سیاستهای غلط و برخوردهای غیر مسئولانه طرفین، نتایج زیان بخش خود را بیار آورده است و درگیری مجدداً و در همان منطقه آغاز گشته و بدون اقدامات عاجل در حدود ساختن راه گشترش آن بنظر قطع ابعاد آن تنها منحصر به اورامان نخواهد بود و با گشترش بی رویه و کور خود، وضعیت خطیری را در جنبش انقلابی خلق کرد بوجود خواهد آورد.

آنچه مسلم است درگیری مجدد اورامان خود مقدمه درگیریهای وسیعی در آینده است که جنبش انقلابی خلق کرد را با خسران جبران ناپذیری روبرو خواهد ساخت.

کارگران زحمتکشان و نیروهای انقلابی و دمکرات! در شرایطی که حزب دمکرات و کومه له هیچ برخورد مسئولانه ای به مسائل جنبش نمی کنند و به هیچ گونه راه حل سیاسی مسائل مورد اختلاف خود گردن نمی نهند، تنها راه جلوگیری از تشدید وضعیت و عقیم روابط دو نیرو و دیکتسه نمودن راه حل مبتنی بر مصالح و منافع جنبش به هر دو آنها و مقابله فاطمانه با سیاست حاکم بر روابط آن دو و جلوگیری از هرگونه گشترش آتی درگیریهای آنهاست. بدون شک باید گفت کلید حل مسائل آینده در برخورد جدی با مسائل امروز است. حزب دمکرات و کومه له باید سریعاً و بدون دفع الوقت درگیری مجدد خود در اورامان را قطع نموده، از هرگونه گشترش آن آگاهانه جلوگیری بعمل آورند. و برای حل مسائل مربوط به هر دو درگیری اورامان به حکمت و کنترل و نظارت اکثریت نیروهای انقلابی موجود در کرستان گردن گذاشته و التزام به اجرای تصمیمات اکثریتی از نیروهای انقلابی را اعلام نمایند. کارگران و زحمتکشان انقلابی کرستان! پیشمرگان قهرمان خلق کرد!

برای دفاع از آرمانهایی که بیش از پنج سال بخاطر دست یابی به آنها، مبارزه کرده و در زیر سایه عزم رژیم جمهوری اسلامی به مقابله با سیاستهای ارتجاعی آن در کرستان پرداخته و کرستان را به عرصه مبارزات حماسی خود تبدیل ساخته اید، در شرایط خطیر کنونی نیز به مقابله با هرگونه سیاست مبتنی بر جنگ افزوری در درون این جنبش برخیزید و راه حل صحیح و اصولی اختلافات فیما بین را به حزب دمکرات و کومه له در هر کجا و در هر موقعیتی که هستید تحمیل نمائید و اسیر سیاستهای غلط حزب دمکرات و کومه له در دامن زدن به درگیریهای قهرآمیز کنونی نشوید و از تبدیل شدن به وسیله ای برای انتقام جونیهای غیرسیاسی و فرقه گرایانه، میدان اجتناب ورزید.

خلق قهرمان کـــرد!  
پیشمرگان مبارز کرستان!

اراده قهرمانند خود را به صدی در مقابل ایجاد تفرقه و تددت در صفوف جنبش انقلابی کنونی تبدیل سازید و خواستار حل اختلافات دو نیرو و قطع فوری درگیری کنونی و رسیدگی به مسائل مربوط به درگیریهای اخیر حزب و کومه له در اورامان از طریق گردن نهادن آنها به یک راه حل اساسی یعنی التزام به



### پیام هیأت ...

صفحه ۱

این وظیفه ما امروز با پیدایش جرقه‌های پولاد جنبش توده‌ای در تهران و بعضی شهرهای بزرگ ایران هرچه بیشتر برجسته شده است . ما بسیار سرفرازیم که در چنین شرایط پرفروغی می‌توانیم صدای خود را به گوش شما کارگران آگاه و انقلابی و زحمتکشان مبارز و همه مردم بیدار و آزادیخواه ایران برسانیم ما بسیار خوشوقتیم از اینکه می‌توانیم در این لحظات حساس تاریخی، شما را از جریان واقعی اخبار ایران و بزرگترین رویدادهای جهان مطلع کنیم و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با شدیدترین فشار و خفقان با ترور و تیرباران و شکنجه و با وحشیانه‌ترین شیوه سرکوب پلیسی، محاذات ارتباط میان مبارزه - انقلابی توده‌های مردم را بسیار دشوار کرده

است شما را در جریان اخبار مبارزات جنبش - ی انقلابی منطقه‌ای و جنبش‌های وسیع محلی قرار داده و مهمتر از همه اعتمادات کارگری کارخانجات عظیم صنعتی بمثابه سنگ بنسای پیروزی انقلاب ایران قرار ندیم . اما اینهمه کافی نیست هیچ جنبش محلی هیچ اعتراض پر-اکنده و هیچ اعتماد منفرد کارخانه‌ای و غیره نمی‌تواند کارگران و زحمتکشان انقلابی ایران را به پیروزی عظیم خود برساند و اینهمه بدون تشکله بدون ایجاد ارتباط عمیق و بدون سازماندهی واقعی آن ممکن نخواهد گشت . پیروزی ما در گرو سازماندهی و تشکله ماست . ما بمثابه سازمان بینتاز طبقه کارگر ایران ، بسیار سرفرازیم تنها سازمان سیاسی ایران بودیم که با استعرا کامل انتشار یک نشریه سراسری در سخت‌ترین و خفقان آمیزترین شرایط پلیسی ، این ارتباط را حفظ کرده و بدان شکل منسجم تری داده ایم . اما علیرغم این تلاش و اخفای پلیسی رژیم جمهوری اسلامی ، که حتی با خفن ترین حکومتها ی فاشیستی هم سایل قیاس نبوده و نیست ، مانع از آنست که " نشریه کار " ارگان سراسری سازمان بتواند به راحتی در اختیار توده وسیع مردم و بویژه توده طبقه کارگر ایران قرار گیرد . از اینرو ایجاد یک مرکز رادیویی بمثابه ارگان ارتباطی ملی سازمان با توده‌های انقلابی به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شد و از اولین ماههای سال ۶۰ یعنی از همان اولین روزهای آغاز تعرض آشکار و علنی رژیم به سازمانهای انقلابی و جنبش توده مردم در دستور کار سازمان قرار گرفت اما ضربات سخت اسفند ماه ۶۰ و مشکلات ناشی از آن اقدامات عملی برای تأسیس رادیو را نیمه کاره گذاشت و همه انرژی سازمان هروی سازماندهی مجدد و انتشار منظم نشریه کار ، بمثابه اهمیت نفس سازمان - گران متمرکز گردید .

سازمان پس از فائق آمدن بر مشکلات ناشی از ضربات اسفندماه ، مجددا فعالیت جدیدی را

برای ایجاد رادیو فدائی آغاز کرد و علیرغم همه دشواریهای فنی و مشکلات مالی ، اولین فرستنده رادیویی سازمان بویژه به یساری نیروهای انقلابی بصورت آزمایشی در اوایل سال گذشته شروع به کار کرد . اما متأسفانه بدلیل همان ضعف مالی ، دوره آزمایشی رادیو بسیار طولانی شد و نتوانست برنامهای عادی خود را سریمعا آغاز نماید . هرچند در طی تمام این مدت ، تنها و فقط با جدیت و پشتکار دانشی رفقای فنی رادیو صدای آزمایشی از تلنبن نامستاد ولی ایزار و وسایل ضروری - برای استقرار دائم آن بهیچوجه کافی نبود . پس از انتشار اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان

در مورد وضعیت مالی تشکیلات و اطلاع توده‌های هوادار از آن سازمان بصورت بسیار تحسین برانگیز و افتخار آفرینی با کمکهای مالی نیروهای هوادار و روبرو شد . بخش زیادی از این کمکها ، بیانشگر وضع مالی کارگران و زحمت کثانی بود که سهمی از درآمد ناچیز خود را برای پیشبرد وظائف انقلاب به سازمان اهدا کرده بودند . ما به وجود این روحیه در میان نیروهای هوادار خود که لازمه هرگونه حرکت انقلابی است و شرط ضروری پیروزی آنست افتخار می‌کنیم و معمم و سرفرازیم تا پیروز ی نهائی کارگران و زحمتکشان ایران یک دم از پای ننشسته و با درک اهمیت مسئولیتی که این روحیه برعهده سازمان ما می‌گذارد ، ضمن اظهار امتنان و تشکر از همه رفقا و همه آنهائی که سازمان ما را در این امر مهم و ارزنده یاری نموده اند ، اولین برنامه رادیویی خود را آغاز می‌کنیم .

ما از کارگران انقلابی و کلیه هواداران سازمان می‌خواهیم با ارسال منظم اخبار و گزارشات و پیشنهادات خود ، ما را در هرچه پربارتر کردن برنامه‌های رادیو یاری نمایند غنای هرچه بیشتر این برنامه‌ها در گرو برخورد رد هرچه فعالتر شماست . رادیو صدای فدائی باید دوش بدوش و همراه با نشریه کارگران سراسری سازمان و دیگر نشریات محلی هرشد ظفرمند جنبش توده‌های مردم ایران را سازمان دهد . متوف آنرا متشکل نماید و خیزش‌های نوین انقلابی کنونی را هرچه بیشتر دامس زند . ارتباط آنها را با یکدیگر برقرار سازد ، حوزه‌های کوچک ارتباطگیری را به شبکه انبوهی از سیستم ارتباطی تبدیل کند . اخبار و گزارشات مبارزات پراکنده مردم را بطور منظم و بموقع به کل جنبش برساند و مهمتر از همه پیکار انقلابی طبقه کارگر ایران را سازمان دهد و بنیانهای حزب انقلابی نوینی را پی افکند که میلیون و میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان سراسر ایران را در یک قیام سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت نماید . ما قطعاً پیروز خواهیم شد .

هیئت تحریریه صدای فدائی

### دومین اطلاعیه ...

نیروهای انقلابی متذکر شده و خواهان ارائه یک راه حل عملی عاجل و مشخص برای حل سیاسی اختلافات فی مابین دو نیرو در شرایط حاضر شدیم .

بدنبال این اطلاعیه ملی نامه‌ای از طرفین دعوت بعمل آوردیم و ضرورت قطع فوری اینس درگیریها و جلوگیری از گسترش آنها را متذکر شدیم و خواهان برگزاری یک جلسه مشترک برای رسیدن به یک راه حل عملی مشخص و عاجل شدیم و زمان مشخصی را برای تشکیل یک جلسه مشترک اعلام نمودیم . این جلسه در روز نهم بهمن ۱۳۳۳ برگزار گردید ولیکن دفتر سیاسی حزب دمکرات کرجستان در این جلسه حضور نیافت و نامه ما را بی‌جواب گذاشت اما کمیته مرکزی کومه‌له با اعزام نمایندگان خود به این نشست در همان روز آمادگی خود را برای حل مسائل از طریق سیاسی اعلام داشت و ما براساس این آمادگی کومه‌له خود را موظف می‌دانستیم که یکبار دیگر به دفتر سیاسی حزب دمکرات کرجستان ایران ضرورت رسیدن به یک راه حل را متذکر گشته و از نمایندگان آن دعوت بعمل آوریم که طی یک جلسه مشترک نقطه نظرات خود را در این زمینه اعلام نماید . بند که دفتر سیاسی حزب دمکرات در جواب نامه مورخه نهم بهمن ۱۳۳۳ ما نهایتاً اعلام داشت که درگیری در اورامانات کاملاً بی‌پایان رسیده و چون موردی برای بحث با کومه‌له ندارد ضرورتی برای نشست مشترک نمی‌بیند . ما معتقدیم که حزب دمکرات با این جواب در حقیقت ضرورت رسیدن به راه حل جلوگیری از درگیری را نه تنها جدی تلقی ننموده بلکه هیچ گونه تمایلی برای پایان دادن به فضای جنگی موجود با تمامی ابعاد خطرناک آن نشان نداده است . مسلم است که ادامه این فضای جنگی نه تنها به نفع هیچکدام از دو نیروی درگیر نبوده و نیست بلکه جنبش خلق کرد را در شرایط کنونی بیش از پیش تضعیف می‌سازد به هر حال با توجه به آمادگی کامل کومه‌له برای دستیابی به یک راه حل فوری سیاسی ما کماکان از حزب دمکرات کرجستان ایران خواهان برخورد جدی با مسئله و حرکت در جهت رسیدن به یک راه حل مشخص و میرم سیاسی برای حل اختلافات حزب دمکرات و کومه‌له هستیم . لذا ما وظیفه خود میدانیم که در راه رسیدن به هرگونه راه حل سیاسی و عاجل برای پایان دادن به این درگیریها براساس منافع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و اصول دمکراتیک ناظر بر آن از هیچ گونه تلاشی فروگذاری نکرده و از هرگونه اقدام مشترک نیروهای انقلابی در این زمینه پشتیبانی کامل بعمل آوریم .

کمیته کرجستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - نهم بهمن ۱۳۳۳

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست



### طبقات

و تجربیات تاریخی بشر و بررسی تاریخ جوامع انسانی از ابتدا تا کنون و تحقیق در علت اختلافات بین گروههای اجتماعی همه آنها تا کنون بعنوان علت اختلافات ذکر کردیم خرافات دانسته و این تفاوتها را ناشی از یک علت اساسی میدانند و آن وجود مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است و موقعیت هر کسی در قبال این وسائل تعیین میکنند که هر کس جزیره طبقة یا گروهی است و هیچکس در روی زمین نیست که بشکلی در این موقعیت قرار نگیرد. مالکیت خصوصی بر وسائل تولید قانون طبقات حاکم است و این قانون را که ریشه سروری آنهاست بوسیله قوای مسلح دولت خود نگهبانی میکنند و توسط آن چشمره کار زحمتکاران و کارگران را بغارت میبرند. علت اینکه یکسان نمیتواند شمره کار و زحمت دهقانان را بدون آنکه خود هیچگونه نقشی در تولید محصولات داشته باشد بحد اختصاص دهد اینست که او بر زمین، آب یا روزا مالکیت دارد و علت آنکه او میتواند کنار نکند و بخورد و ثروتش هر روز افزونتر شود همین "جگر مرغ سعادت" و مرغ "تخم طلائیست" که در اختیار دارد یعنی مالکیت بر وسائل تولید و بخاطر همین مالکیت است که او میتواند دیگران را برده خود کند. با نگاهی به اطراف خود و با کمی عمیقتر شدن در کلیه محصولات تولید شده و کالاهای موجود در بازار و دقت در چگونگی ارزشمندی آنها این فریب جامعه طبقاتی را بیشتر درک خواهیم کرد و علت وجود طبقات را بیشتر لمس میکنیم. ابتدا به ارزش مالکیت خان یا سرمایه دار و فئودال در تولید دقت کنیم. برای روشنتر شدن مسئله باید تصور کنیم اگر که آنها و مالکیتشان از بین برود چه چیزی تغییر میکند و به تولید محصولات چه ضربه ای خواهد خورد زیرا اگر بر امر تولید موثر باشند در نبودشان باید ناعه ای برای تولید رخ بعد. فی المثل اگر مالکیت فئودالی نباشد و زمین متعلق به کشاورزان باشد آیا بفر پاینده نمیشود؟ آیا غم زده نمیشود؟ آیا گندمها سبز نمیشوند و آیا محصول نمیدهند و محصولات کم و زیاد خواهد شد؟ آیا بازار گندمی را که در این زمینها کاشته اند نمیخورد یا این گندمها نان نمیخورد؟ میبینیم نه تنها هیچ اتفاقی نمیافتد بلکه کشاورزان با علاقه بیشتر کار میکنند و محصول بیشتری هم بدست خواهند آورد و از همه مهمتر شمره کار خود را خود بدست میآورند و تنها اینجا عدم حضور خان و فئودال احساس میشود که شمره کار زحمتکاران به جیب او سرازیر نمیشود. حالا برعکس تصور کنیم یعنی کس مالکیت خان و سرمایه دار و فئودال بر زمین و

کارخانه و وسائل تولید وجود دارد اما کشاورز و کارگر نباشند یا نسبت از کار بکشند آنوقت خواهیم دید که هیچ "غشای روی غشست بند نخواهد شد" هیچ بذری پاشیده نمیشود، هیچ زمینی غم نمیخورد، هیچ گندمی محصولات دیگر کشاورزی به بازار نمیآید نان به "نرخ پنجم" میشود و هیچ چرخي نخواهد چرخید و اولین کسی که از گرسنگی بمیرد همان خان و فئودال و سرمایه دار پرخور و بیکاره است. و برای ما روشن میشود که مالک و فئودال و سرمایه دار و خان هیچ کاری جز غارت شمره کار زحمتکاران و کارگران انجام نمیدهند. به کلیه پدیدههای مصنوع در سطح جامعه بنگرید در تمامی آنها گرمای کار کارگران عرق جبین آنان نهفته است. هوش، استعداد و نیروی بدنی زحمتکاران در لابلای تار و پود پارچه های بسته بندی شده در قفسه تجار بازار و در انبارهای مستکران موج میزند. گله های گوسفند از قلب زمین میرویند بلکه عمر و زندگی و انرژی و هوش و استعداد و نیرو و طراوت جوانی چوبان را لحظه لحظه میچوند و پرورش مییابند و گوشتی در اصل چوبان را میچوند و رشد میکنند. کشاورزی که نانهای پنبه را میگرد و زندگی خود را و توش و توان خود را لابلای بفر بر زمین میپاشد و تا پنبه بعمل آید و دست بعد دلخون میشود و زحمتکش دیگری آنرا میبرد و خود میکاهد تا پنبه کلاف نخ شود. وقتی کلاف نخ به کارخانه میبرود آنجا نیز شمره رنج و زحمت و طراوت جوانی و نیروی دماغی و عرق جبین کارگران لازمست تا پنبه پارچه شود. بی اینهمه رنج پنبه پارچه نمیشود تا بهترین هایش را سرمایه داران بپوشند و بجهای این سازندگان اصلی آن لباس به تن نداشتند. سرمایه داران و ملاکان با حربه مالکیت خود میتوانند اینهمه نیروی بدنی و زندگی را ارزان بخرند و در مقابل نان بخور نمیری آنقدر که نتوانند زنده بمانند و کار کنند به زحمتکاران میدهند. سرمایه داران میگویند ابزار تولید متعلق به ماست چون ما مالک آن هستیم و قانون آنرا ناپدید کرده است و نیروهای مسلح و زندانها و دولت حامی این قانون هستند منب نیز این را تایید میکنند و مشروعیت میبخشد و اگر ما نبودیم این همه کارگر و زحمتکش را چه کسی نان میداد و ... ما میگوئیم به سفره غذای خود نگاه کنید به میز و صندلی و قالی زیر پای خود و به ساختمانی که در آن زندگی میکنید و به ماشین و هواپیما و تری که سوار می شوید خیابانی که از آن میگذرید به لباسی که میپوشید به همه ممنوعات جهان که در خدمت خود و در اختیار خود گرفتارید نگاه کنید در کدامیک نیروی کار و انرژی و زندگی شما جریا ن دارد. شما و دانشمندان مزدور و روحانیون و منعبتان همه و همه از ارتش و پلیس و زندانها تا اخلاق و پند و اندرز و آموزش دستان در خدمت ادامه وضع موجود است و برای تنها مسئله ای که رنج میبرید ادامه غارت و

چپاول است و قانون حافظ منافع شماست. که توسط دولتتان برای بر بند کردن و ادامه بهره کشی از کارگران و زحمتکاران پیاده میشود و اما ابزار تولید چنانکه گفتیم خود شمره کار متراکم شده کارگران و زحمتکاران است و در جسم سخت چکش و داس و تیر و هر پیکره ماشین های عظیم خون خریف کارگران و زحمتکاران جریان دارد و آنها هستند سازندگان آن ابزار ارزش این وسائل در کاریست که در آنها نهفته است بدون کاری که روی آنها انجام گیرد مواد خامی بودند در طبیعت، کارگران آنرا از معادن استخراج کردند کارگران دیگری آنرا تغییر

شکل دادند و امروز کارگران دیگری از آن وسائل برای تولید استفاده میکنند. چه چیزی جز یک "حق زور" و یک فردی آشکار می تواند علت مالکیت شما بر این وسائل باشد؟ و روشن است که تقدیر و معیت الهی و سرودت نیست که عده عظیمی از مردم زحمتکش فقیر و تهیست هستند و شما که عده قلیلی هم هستید همه چیز را در اختیار دارید و طبقه حاکمه شده اید بلکه علت اختلاف درآمد و علت تفاوت ثروتها و نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی همانا وجود مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است.

بطور کلی موقعیت افراد در قبال وسائل تولید است که آنها را از یکدیگر متمایز میآورد. و وجه تمایز بین افراد و طبقات تفاوت بین درآمدها و اختلاف در طرز تفکر و آداب و رسوم گوناگون نیست بلکه اینها خود تابع هستند و معلول. در پشت همه این اختلافات ظاهری چگونگی مالکیت بر وسائل تولید است که هم موقعیت طبقات اجتماعی را در تولید تعیین میکند و هم شکل توزیع محصولات و فرآورده های کار را مشخص مینماید. در حقیقت شکل مالکیت نه تنها در چگونگی روابط تولید بلکه در کیفیت و جهت گیری تصور اجتماعی - ایدئولوژی سیاست حقوقی و غیره نیز تاثیر قطعی دارد.

به عبارت دیگر: "طبقات به گروههای بزرگی از افراد اطلاق میگردد که بر حساب جای خود در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی بر حسب مناسبات خود (که اغلب به صورت قوانین تنظیم و تثبیت گردیده است) با وسائل تولید، بر حسب نفس خود در سازمان اجتماعی کاروبناهره این بر حسب عیوه دریافت و میزان آن سهمی از ثروت اجتماعی که در اختیار دارند از یکدیگر متمایزند. طبقات آنچنان گروههایی از افراد هستند که از بین آنها یک گروه میتواند به علت تمایزی که بین جای آنها در یک رژیم معین اقتصاد اجتماعی وجود دارد کار گروه دیگر را به تعاضب خود درآورد." (لنین - ابتکار عظیم مجموعه آثار، ۱۶۱)

طبقات ..

در جامعه طبقاتی برخی از گروههای کوچک مالک وسایل تولیدند مثل خوانین - سرمایه دارها و فئودالها و یا برده داران در

کننده اینها چون مالک زمین یا کارخانه یا سرمایه یا برده هستند لزوما صاحب تولیدات ناشی از آنها نیز میشوند . ثمره کار کشاورزان روی زمین یک فئودال یا ثمره کار کارگران در یک کارخانه و ... نیز تحت مالکیت فئودال و سرمایه دار درمی آید . مالکین وسائل تولید مالک محصولات تولید شده نیز میشوند . این گروههای کوچک که تقریباً تمامی وسائل تولید را در اختیار دارند طبقه حاکمه را تشکیل میدهند و گروههای دیگر که تولید کننده مستقیم هستند تشکیل یک طبقه اصلی دیگر را میدهند این دو گروه را طبقات اصلی و اقتصادی می نامند و سایر اقشار در بیسن این دو گروه قرار میگیرند از دیدگاه مارکس تمامی طبقات تشکیل دهنده ساخت اقتصادی یعنی طبقه حاکمه و طبقه تولید کننده مستقیم و تمام اقشار درون آنها صرفاً طبقات اجتماعی بشمار میروند و زمانی طبقه ای اقتصادی خواهد بود که این طبقه نه بواسطه روابط مشترک تولیدی بلکه بواسطه تضاد با دیگر روابط مشترک تولیدی مشخص شده باشد .

طبقات اساسی و تضاد طبقاتی بنیادی تضاد بین طبقه حاکمه و طبقات تولید کننده مستقیم میباشد زیرا این دو طبقه بین خود تمام یا غالب نیروهای تولیدی ( ابزارمادی ) را در تملک دارند و تمام یا غالب ارزش - اضافی جامعه از مبادله بین این دو طبقه اخذ میشود .

شکل گیری مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و پیدایش طبقات

حالی که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید علت اصلی اختلال طبقاتی و در واقع پیدایش طبقات است به شرح تاریخی شکل گیری مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و همچنین پیدایش طبقات در تاریخ زندگی بشر میپردازیم .

در جوامع نخستین بشری مالکیت بر وسائل تولید اشتراکی بود و ضرورتاً محصولات تولید شده نیز در اختیار همگان قرار می گرفت اما تولیدات آنقدر ناچیز بود که حتی نمیتوانست شکم تولید کننده را سیر کند و ضرورتاً باید همه کار میکردند تا بتوانند زندگی کنند - زیرا که هر کس ثمره ای بیشتر از قوت لایموت خود نمیتوانست تولید کند . در عیوه تولید بدوی که توسط شکارچی صورت میگرفت رابطه

بین تولیدکنندگان ( شکارچیان ) رابطه ای مستقیم و ساده بود و زمین و شکار و محصول تحت مالکیت اشتراکی بود . برور زمان کس ابزار تولید تکامل پیدا نمود و انسانها بر طبیعت چیره گوی یافتند و آموختند که چگونه در

شرایط متفاوت جوی و طبیعی کار کنند تولید افزایش یافت . در این دوران ابزارهای تولید جدیدی اختراع شده بود مانند نیزه چاقو و تیر و کمان که برای انسان این امکان را ایجاد کرد تا بتواند از راه دور و بسا صرف انرژی کمتری شکار را مورد هدف قرار دهد و وسائل زندگی خود را از این طریق افزایش داده و تکامل بخشد و گوشت فراوانتری بماند . ان وسیله تغذیه بدست بیاورد و از شاخ و استخوان حیوانات ابزار و اسلحه بسازد هر چه تولید بیشتر گسترش می یافت روابط اشتراکی قبلی از بین میرفتند و با افزایش قابله ملاحظه تولیدات لزوم آنکه همه تولید کنند از بین میرفت و اندوخته غذایی بنوع جمعگرای افزایش یافت . در جامعه ابتدائی با گسترش تولیدات تقسیم کار ایجاد شده بود و افراد جامعه در رشته های تخصصی خود ابزار مرسوم به کار خود را مستقیماً تحت مالکیت خویش گرفتند .

در مرحله اول تخصص و سرعت کار اشخاص از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار شد و گله های اهلی شده به صاحب خانواده های خاص از جامعه درآمد . در مرحله بعدی صاحب فردی زمین پشمایه وسیله تولید و مرتع پشمی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بوجود آمد . تقسیم مسای محصولات کار دچار تغییر گردید یعنی افراد نسبت به کاری که میکردند سهم خود را دریافت میکردند و تقسیم مساوی نمودند .

با شکل گیری مالکیت خصوصی بر وسائل تولید نابرابری اقتصادی بوجود آمد و رؤسا و بزرگان قبیله از موقعیت خود برای ثروتمندتر شدن استفاده کردند و نابرابری تعدید گردید پیدایش اضافه محصول برای عده ای این امکان را ایجاد کرد که دیگران را استثمار کنند و خودکار نکنند و اغنیا فقرا را تحت سلطه خود درآوردند ملاحظه های که درجستگ پیروز می شدند اسرای جنگی را به برده تبدیل میکردند . ابتدا بردگان به تمام قبیله تعلق داشتند اما بتدریج رؤسا و افراد قدرتمند قبیله بردگان و سایر اموال مشترک را به خود اختصاص دادند .

در این جامعه که ابتدا تقسیم کار بین کشاورزان و دامپروران بوجود آمده بود با اختراع ابزارهای فلزی و با بوجود آمدن نخستین چرخهای بافندگی و بیلها آهنی و بالا رفتن سطح تجربیات تولیدی بازهمی تولید به مقدار جمعگرای بالا رفت و بدینگونه صنعت و بدنیاال آن پیشه وران حرفه ای در جامعه پدیدار شدند . در نتیجه تقسیم کار مبادله محصولات و کالاها آغاز گردید کشاورزان به محصولات حیوانی و ابزارکار و گله داران به غلات و حیوانات احتیاج داشتند و پیشه وران -

صنعتی نیازمند محصولات کشاورزان و دامپروران بودند و این گروهها فقط توسط مبادله محصولات کار خود میتوانستند نیازمندیهای خودیشان را برآورده سازند . بردگان عملاً جز ابزار تولید بحساب می آمدند و از تمامی حقوق انسانی محروم بودند . کارهای فکسری و جسمی از هم جدا شده و عاقران و نسلوفان به کار بدی نمی پرداختند و ثروتمندان اندک اندک خود را از یت خدا یان معرفی کرده و رفته رفته اغراض شکل گرفته و پایه های حکمفرمایی آنها بر قبیله محکمتر شده بود و مقام و ثروت آنها به فرزندان شان منتقل میشد و پیوند خوئی تعیین کننده مقام اجتماعی میشد .

و بدین سان جامعه یکسخت نخستین به جامعه طبقاتی بدل شد و عرصه مبارزه طبقاتی برای هزاران سال گنوده شد مبارزه ای که تا محو طبقات ادامه خواهد داشت . پیدایش طبقات خود اگر چه زائیده پیشرفت انسان در ازدیاد سیادت بر طبیعت بود و این سیادت باعث شد که اندیشه و عقاید آنها نیز وسعت گرفته و توانائیهای آنها افزایش یابد اما این پیشرفت یک ماهیت متضاد را بوجود آورده است زیرا انسان اگر چه با نفوذ و تسلط بر طبیعت پیشرفت و تکامل بیشتری پیدا کرد اما برای تولید کنندگان این ضرورت تاریخی غم انگیز را بوجود آورد که زیر یوغ استثمار قرار گیرند و نتایج این پیشرفت در اختیار قطبی از جامعه قرار گرفت اگر چه این راه آورد ثمره رنج و مشقت و عرق جبین قلب دیگر بود و این سرنوشت دردناک هزاران سال همراه بشر باقی ماند که هر قدمی که در تولید بجای برداشت طبقه حاکم غنی تر شد و طبقه محکوم مورد استثمار بیشتر قرار گرفت . رهائی و آزادی برای یک طبقه ضرورتاً به مثابه فید و بند جدیدیست بر طبقه دیگر هر روز فاصله طبقاتی و شکاف عمیق بین دارا و نزار عمیقتر میشود . موازات تقسیم جامعه به طبقات دولت نیز شکل میگردد و هر روز گسترده تر شده سیادت طبقه حاکم را و سرکوب اکثریت مردم را برفع آنان با عمده میگردد .

طبیعی است که چنین استخوانیندی طالما نهای در جامعه اگر چه ضرورت روند تکامل و شرایط مادی جامعه است اما اگر غریبان و بدون گوشت و پوست ریا و فریب تر معسر و دید همگان باشد دوام نمی آورد و اگر این استثمار و منشا آن برای نوده های زحمتکشان روشن باشد بر علیه آن قیام میکنند و بهمین خاطر است که دستگاههای حاکمه دکان ریسار

فریب خود را می گشایند و بر اندیشه های مردم فریب و نیرنگ خود را سوار می کنند و در عرصه های اندیشه نیز این مبارزه طبقاتی شکل گرفته در فرهنگ و ایدئولوژی نیز به حرکت خود ادامه میدهد و در واقع نهادهای روبنایی گوشت و پوستی است بر آن استخوانیندی ظالمانه که غارت و چپاول زحمتکشان است مذهب یکی از این عوامل است و مالکیت خصوصی را که منشا این نابرابریهاست تقدیس میکند و طبقه دارا را تعلیم میدهد که تکبانهائی بقیه در صفحه ۲۰



## طبقات ...

از ثروت به غارت رفته توده‌ها را از روی - خیرخواهی و در واقع برای تحمیل بیشتر آنها به سوسنان بر تاپ کنند و قوانین ظالمانه جامعه طبقاتی را با دستورات الهی تطبیق داده برای جلوگیری از عورش توده‌ها بر علیه استثمارگران برای بشر نسخه سرنوشته می‌پیچند که هرچه می‌کنند از دست سرنوشته عوم خودشان است. اخلاق جامعه طبقاتی نیز همواره با منبج عجیب است و بعنوان رهنمودهای اخلاقی در کنار قوای مسلح دولتی به حفاظت از اموال طبقه حاکم پرداخته مانع از تعرض توده‌ها به محدوده آنان می‌شوند اما علیرغم کوششهای طبقه حاکم روند رشد و تکامل نیروهای مولد و مجموعه شرایط اقتصادی و نهضت توده‌های هر روز ابعاد نوینی از مبارزه طبقاتی می‌سترانند.

## مالکیت بر وسائل تولید

انسان برای ادامه حیات باید به تولید بپردازد و طبیعت خارجی را برای استفاده خود و رفع نیازمندیهایش قابل استفاده نماید و بدون دست زدن به چنین عملی قادر به ادامه زندگی نخواهد بود. زیرا که هیچ انسانی نیست که احتیاج به خوراک، پوشاک، مسکن و ... نداشته باشد. حتی ریاکارترین روحانیون که خود را از دنیا بی نیاز میدانند و فی‌المثل خمینی جلاگرمی گویند "اقتصاد زیربنای الاغ است" ابتدا می‌خورند و می‌آشامند آنگاه به آیفی منبھی می‌پردازند و برای فریب مردم رد میدان میشود. حال برای آنکه زنده بمانیم باید تولید کنیم. تولید یعنی اینکه انسان دائماً با فعالیت آگاهانه خود طبیعت خارجی را برای رفع نیازمندیهایش قابل استفاده نماید این عمل دائمی و مستمر است نخست برای تولید باید کار انجام شود بدون انجام دادن کار هیچ محصولی بوجود نخواهد آمد و طبیعت خارجی هیچگونه تغییر آگاهانه ای نخواهد پذیرفت کار بمعنای عام آن فعالیت آگاهانه انسان است که زائیده نیروی دماغی، اعصاب، عضلات و دست انسان و غیره است. آیا کار با دستهای خالی میسر است؟ باید گفته مزیرا که با دستهای خالی بدون وسینه انسان بسیار محدود است و کار زیادی با بازده فراوان نمی‌تواند انجام دهد. پس باید برای انجام کار ابزار را بی خدمت گرفت. از چکش، داس و تبر گرفته تا ماشینهای سنگین و ابزارهای پیچیده و صنعتی. این وسائل را ابزار کار می‌نامند علاوه بر کار و ابزار کار موادی لازم است که کار روی آن انجام شود مثل چوب، سنگ، معدن و مواد خام به این مواد موضوع کار می‌گویند. پس تولید علاوه بر نوات ذکر شده احتیاج به منابع نیرو

و انرژی، مکانهای آبیاری و ... دارد که اینها را نیز زیربنای تولید می‌گوئیم و دست آخر انسان با بکار بردن تجربیات گذشته خود در امر تولید و دست آوردهای علم بشری در روزگار خود تولید را غنی کرده افزایش میدهد. حال که مواد لازم برای تولید را شناختیم باید گفت که

## ابزار کار + موضوع کار = زیربنای تولید = وسائل تولید

انسانها بیاری وسائل تولید می‌توانند مایحدا چ جامعه بشری را تولید کنند اما وسائل تولید در اختیار مالکین آن قرار دارد و این مالکیت بر وسائل تولید بدو شکل میسر است. خصوصی و اشتراکی. اما - مالکیت فردی شکلی که هرگز و هیچ جا بطور کلی برای تولیدکنندگان وجود نداشت و هر روز ترقی صنعتی آنها غیر ممکن تر میسازد و مالکیت جمعی شکلی که بیشتر نشانهای عینی و ذهنی آن وسیله انکشاف جامعه سرمایه داری آفریده شده اند و برای تصاحب این شکل مالکیت یعنی مالکیت جمعی بر وسائل تولید باید با تمام وسایل در اختیار پرولتاریا رزمید. در جامعه اشتراکی نخستین مالکیت وسائل تولید اشتراکی بود و لزوما محصولات و تولیدات نیز به همه جامعه تعلق داشت در این جامعه میادله وجود نداشت اما با بوجود آمدن تقسیم کار و پدید آمدن مالکیت خصوصی میادله نیز بوجود آمد و به مرور به یک جریان منظم اجتماعی تبدیل شد و محصولات عمدتاً برای میادله تولید میشوند. و در واقع میادله با پیدایش مالکیت خصوصی به یک جریان منظم اجتماعی تبدیل شد زیرا برای میادله اغیا با یکدیگر باید مالکیت خصوصی بر آنها وجود داشته باشد. در سراسر تاریخ جوامع طبقاتی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید وجود داشته است و وسائل تولید در اختیار عده قلیلی از ثروتمندان و قدرتمندان بوده که دولت و طبقه حاکمه را در آن اجتماع تشکیل میداده اند.

مالکیت خصوصی حقی است که بر اساس زور کسب شده است و به همین خاطر بین لایته کارکر و سرمایه دار در نهایت نهر است که تعیین تکلیف میکند اگرچه قهر در مقاطعی قابل رویت نیاید. مالکیت خصوصی علاوه بر اینکه زمینه استثمار و بهره‌کشی فرد از فرد را ایجاد می‌کند. بلناط حسی و روانی زمینه مادی و الزامی برای از خود بیگانگی نیروهای مولد گشته است. از خود بیگانگی حاصل مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است و یک بیماری روانی خاص انسان مدرن نیست. "مالکیت خصوصی ما را آنچنان تنگ نظیر کرده است که یک عینی تنها زمانی برای ما است که در چنگل داریم. وقتی بعنوان سرمایه وجود دارد و یا وقتی که مستقیماً خورده شده و آشامیده شده، پوشیده شده و اشغال شده و غیره، مختصر آنکه بی‌ترقی سودمند شده باشد" (مارکس - مالکیت خصوصی و کمونیسم)

... از اینرو بجای تمام حواس فکری و فیزیکی بیگانگی مصر تمام این حواس حس داشتن جایگزین میشود. تاریخ تاکنون پنج حس را در انسان پرورش داده است ولی حس داشتن در جامعه طبقاتی بر تمام حسها سایه افکنده است و همه را تحت الشعاع قرار داده. این حس از روابط اقتصاد دی جامعه طبقاتی ناشی شده است و در طول تاریخ جامعه طبقاتی پرورش یافته موجب از خود بیگانگی انسان میگردد. زمانیکه مالکیت خصوصی در شکل سرمایه صنعتی تحقق می‌یابد و حوضر صنعت (جوهر کار) در شکل نظام کارخانه‌ای پدیدار میشود مالکیت خصوصی می‌تواند فرمانروایی خود را بر فراز انسان تحکیم کند و در وسیعترین شکلی به نیروی جهان - تاریخی تبدیل گردد. در جامعه طبقاتی زمینه پرورش انسانی حواس وجود ندارد. آنگاه که مالکیت خصوصی از میان برود و مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید حاکم شود حواس آدمی انسانی میشود. حواس انسانی دیگری آفریده و پرورش می‌یابند یعنی انسان حواس انسانی خود را گسترش میدهد برای چنین تحولی در انسان وجود شیئی اجتماعی غده - یعنی آفریده آدمی و برای آدمی - بعنوان عینیت خارجی لازم است. حس داشتن باید از مالکیت اجتماعی هم بدور باشد و گرنه مالکیت اجتماعی بر اغیا شکل پسوینده حس و آرزو اهد بود یعنی افکار هر مالک خصوصی لااقل علیه مالک خصوصی ثروتمندتر. در شکل بحسل و میل به تقلیل همه چیز تا سطح متعارف الفا مالکیت خصوصی رهائی کامل تمام کیفیت ها و حواس انسانی است و رهائی دقیقاً یعنی همین یعنی رهائی انسان از چنگال از خود بیگانگی و ماهیت ضد بشری مالکیت خصوصی و تولد انسان نوین.

ادامه دارد

## اطلاعیه:

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره تکرار درگیریهای حزب دمکرات و کومهله در اورامان خلق قهرمان کرد! پیشرگان دلیر و رزمنده کردستان! خلقهای سراسر ایران! سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات ایران و جهان!

طبق آخرین خبر منتشره، اینک بیکار دیگر درگیری ما بین پیشرگان حزب دمکرات و کومهله در منطقه اورامان با ابعاد خونین

زن بلوچ ...

۳- زنان خرده بورژوازی شهری :

در اثر رشد و تسلط مناسبات بورژوازی در کشور فتری از خرده بورژوازی نویسن در بلوچستان بوجود آمد و در پی ضربه نیدن تولید سنتی در بلوچستان و هجوم بیکاران به کشورهای عربی و جدائی مردان و زنان از عیوه معیشت قبلیشان بر وسعت این فتر افزوده شد چنانکه امروز مردم عظیمی از جمعیت را خرده بورژوازی تشکیل میدهد (خرده بورژوازی روستا) چون بیشتر در رابطه با شهر و مناسبات بورژوازی هستند زنان آنان نیز خصویات نوینی کسب کرده اند که روابط قبیلله ای را تا حدودی درهم شکسته است . ازدواجهای نرون گروهی ضربه دیده است . دختران بدمرغه میروند و در پاره ای موارد در ادارجات دولتی شغل اختیار میکنند و با شوهران خود برسر اداره امور خانواده و دخل و تصرف در اموال و املاک به عور یا ستیز می پردازند . در این روابط و مناسبات زن کا - ملا به خانه وابسته میشود و از کار روی - زمین و دامداری بکلی بکنار گذاشته میشود . گرچه در میان زنان عشایر و روستائی ه کار بیشتر و غم خواری خانه و دامها و طیور و حیور با فانی جاذبه ای برای مرد بود اما وقتی که برای زنان خرده بورژوازی شهری این امکانات از بین رفته است هزیبائی و تجملات زرق و برق آنها هم پرورش خرده بورژوازی رواج بیشتری یافته است مثلا و جواهر آلات هلباسها زیبسا و رنگارنگ پتهائی شده اند که بر افغان زنان این فتر حکومت میکنند . از سوئی دیگر زن اختیار کردن برای مردان با مشکلات فراوانی روبرو است مخارج ازدواج و مهریه و شیربها فوق العاده بالا رفته است و مردان امکان تری می یابند تا دو زن اختیار کنند . در مناسبات معیشتی و روستائی اختیار دو زن از سوی مرد چندان شعور نبوده و مخارج فراوانی را دربر ندارد . و پیر مردانی را می بینیم که دختران جوانی را باز دوام بر می آورند و گاهی یک مرد در یک لحظه سه زن را با نقیاد خود در آورده است . اما در مناسبات شهری ه اغلب ازدواجها با تفاوت سنی خیلی جزئی انجام می گیرد و بعلت بالا رفتن آگاهی و شعور شدن نگهداری دو زن از نظر اقتصادی مردان ترجیح میدهند هك همسری را ادامه دهند .

مردان خرده بورژوازی شهری در فرستادن دختران خود بدمرغه تعصب کمتری نشان میدهند از اینرو درصدی از دختران شهری با سواد میباشند .

۴- زنان برده :

طوایف قبایل و خانواده های ممتازی در بلوچستان که از نظر اقتصادی برتر و قدرت سیاسی را در دست داشته اند ، از حق برده

داشتن نیز برخوردار بوده اند ، زنان ایمن سران قدم نیز از حق داشتن برده بهره مند بوده اند ، زنان برده از هیچ حقوق اجتماعی بهره مند نبوده اند ، آنان خدمتگزار - مرف زنان فتودال ه مسئول نگهداری بچه های خوانین و سردارها مسئول آبخیزی و خدمت خانه و بستن لباس اربابان بوده اند . بزمحت میتوان برای این زنان حقوقی قائل شد فقط در یک جمله حالت آنان را میتوان چنین بررسی کرد : زنان برده از هیچ حقوق انسانی برخوردار نبوده و نیستند ه البته امروز به وسعت وسیعی زنان و مردان برده آزاد شده اند . اما هنوز هر کجا خانی وجود دارد چندین برده نیز دارد . در اجتماع قبیلله ای و هنوز هم در فرهنگ عفا پری قبایلی وجود دارند که از نظر نژادی پائین تر بحساب آورده میشوند و ازدواج با این قبایل بندرت انجام می گیرد .

این عفا ای از حقوق و عیوه زندگی زنان زحمتکش بلوچ بود این زنان بطور کلی علیه رسم اختلافات فتری و طبقاتی در خطوطی از قسم مشترک میباشند و این خطوط عبارتست از :  
 ۱- نداشتن حق مالکیت مستقل بغیر از مهریه و ارثیه ، هک آنها هم تراختیار مرد میباید .  
 ۲- نداشتن حق انتخاب همسر و نداشتن حق طلاق .  
 ۳- نداشتن حق سفر .  
 ۴- محروم بودن از دخالت در وظایف مرد .  
 ۵- در مالکیت مردان قرار داشتن .  
 ۶- محروم بودن از معاشرت اجتماعی .  
 ۷- وابسته بودن به خانه و مسئول نگهداری بچه و انجام کارهای خانگی .

۵- زنان خوانین :

زنان خوانین در رفاه و ناز و نعمت میزیند ، آنان برای خود کنیزانی دارند که تمامی کارهای خانه را انجام میدهند ، زنان خوانین فقط امر و نهی میکنند ه آنان از سر تا ناخن مزین به جواهر آلات و انواع و اقسام زنگوله طلائی هستند . از نظر آزادیها ، ی اجتماعی و حق انتخاب همسر و ... نیز محروم هستند . اما آنها آقدر رفاه و ... دارند که این نوع آزادیها برایشان تعیین کننده نیست اما بهیچ رو سته به سیا ه سفید نمیزنند . دارای حق مالکیت هستند ، مستقلا می توانند برای خرید و فروش و ... اقدام کنند .

دیدگاه مردان بلوچ نسبت به زنان

دید مرد نسبت به مسئله زن دیدی است عشیرتی و فتودالی که آغشته به تعلیمات تعبدی مذهبی میباید . مرد زن را موجودی ناقص و نصف مرد میدانند ه وی را وسیله ای برای آمایش مرد و بچه زائیدن و نگهداری خانه و تهیه کننده خوراک میدانند ، مرد وقتی میبندد زن حامله ای دختر زائیده هومسال نمیشود و گاهی که فرزندان یک مرد پی در پی دختر میشوند او نگران است اما برای تولد پسر گوسفند می کشند و غادی می کنند زنی که برای شوهرش پسر بزاید از احترام بیستری برخوردار میشود ، مرد بخواهد حق میدهد چندین زن را در قید خود در آورد و یا یک زن را بد - و ن کوچکترین پربشائی با چند بچه رها کند .

درم پاشی مناسبات ما قبل سرمایه داری و تاثیر

آن روی زنان

با توسعه و رشد مناسبات بورژوازی ، مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه داری نیز ضربه دیده و تا میزان زیادی رو به اضلال است . تولید کالای همه جا مسلط گشته است ه این تسلط چون با تغییر انقلابی مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه داری همراه نبوده و بصورت بطنی آرام و بصورت فرمهای از بالا انجام گرفته است روینای ما قبل سرمایه داری به حیات عسود ادامه داده است و هنوز تفکر غالب در پاره ای موارد بخصوص فرهنگ و دیدگاه روی مسئله زنان میباید . با رشد مناسبات سرمایه داری گرچه زنان از حقوق شناخته شده بورژوازی بهره ای دریافت نداشتند اما پاره ای از قوانین ما قبل سرمایه داری چون ضرورت وجودی خود را از دست داده بود از میان رفت سابق برایم در جنگ و ستیزهای قبایلی برای برقرار - ری صلح دختران وجه المعالعه قرار می گرفتند . امروزه در میان عفا هر هنوز این قانون عمل می کند ، اما ضعیف ، قبل از حاکم شدن دولت بر بلوچستان و بوجود آمدن دادگاههای دولتی این قانون برای رفع اختلافات بعدت عمل می کرد .

اختیار چند همسر ه یا به همسری گزیدن یک دختر کم سن و سال از سوی یک پیر مرد پدیده ای عادی و روزمره محسوب میشد . با توسعه مناسبات کالائی و بورژوازی و سخت شدن زندگی از سوئی و وضع قانون حمایت خانواده از سوی دیگر از میزان اینگونه روابط بین زنان و مردان کاسته شد البته این مسئله هم قبل از آنست که این حقوق ناچیز توسط جمهوری اسلامی ناراج عود بطوریکه امروزه زنان به تنها سال قبل کینده شده اند معالعه آنکه امروزه روینای ما قبل سرمایه داری در مقابل توسعه مناسبات سرمایه داری نمی تواند مقاومت چندانی بکند و درم می یابد اما بازم این توسعه و رشد هیچ مسئله ای از زنان را حل نمی کند و زنان همچنان در زنجیرهای هستند فقط و فقط تغییر انقلابی مناسبات سرمایه داری و ما قبل سرمایه داری و جایگزینی مناسبات پرولتری قانر است بطور کلی مسئله زن را حل کند اما این امر نافی آن نیست که در شرایط سرمایه داری نیز برای دستیابی و رفع تبعیض جنسی از زنان مبارزه نشود و باید این مبارزه را هرچه شدیدتر پیش برد .





**پیام کمیته ...**

مذهبی در ایران بنام جمهوری اسلامی هستند و وعده‌های آزادیخواهانه آنها يك فريب و تروخ بیش نیست. کارگران و زحمتکشان ایران پس از تحمل آنهمه مصائب و بدبختیهای که حکومت مذهبی موجود ببار آورده است، مطمئناً تنگ برقراری يك حکومت ارتجاعی مذهبی دیگر را در ایران تحمل نخواهد کرد. شورای ملی مقاومت مدافع منافع طبقه سرمایه‌دار است، مبارزاتی واقعی مخالفاست و عموم توده‌های مردم ایران باید هرگونه توهم و اعتمادی را نسبت به آن از دست بدهند.

گروه‌بندی دیگری که اخیراً در حال شکل‌گیری است در میان يك جناح از دار و دسته انقلابی در تروخ حاکمیت و بیرون از آن است. با بحران‌های تروخ افزون و ضعیف‌تر رژیم جمهوری اسلامی و چشم‌انداز سرنگونی قطعی آن يك دسته از باصلاح واقع بین‌ترها در تلاشند که با اتکا به حمایت‌های بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیونهای ضد انقلابی بیرون از حاکمیت و تعدیل در حکومت مذهبی و بند و بست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی بنده توده‌ها و برقراری يك حکومت انقلابی گردند. نامه‌نگاریهای اخیر مرتجعینی امثال بنی‌صدر و مدنی به رفته‌گانی و خمینی که احتمالاً به اصطلاح تروخ حاکمیت و بیرون رفتن بنی‌صدر و تعداد دیگری از شورای ملی

مقاومت گردید و نیز تمایل حزب دمکرات کردستان به مذاکره با رژیم، تماماً بی‌اثر و بی‌فایده است. این تحولات در مقبولیتهای سیاسی موجود است. اما بحران‌های رژیم با آن روبروسته و بیش‌تر از آن است که اینان بتوانند از سرنگونی قطعی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری کنند. اوضاع بحران‌های موجود و تحقق خواست‌های انقلابی توده‌ها، يك دگرگونی بنیادی و انقلابی را بر جامعه می‌طلبد و بیگانه راه حلی که بتواند توده‌های مردم را از زیر بار تمام ستمهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود نجات دهد راه حل انقلابی - دمکراتیک مسائل از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی استقرار يك قدرت توده‌ای، هرچند شدن هر آنچه که کهنه و ارتجاعی است، دگرگونی بنیادی بر جامعه و انجام اقدامات فوری به نفع کارگران و عموم توده‌های زحمتکش است. تنها این راه حل قادر است توده‌های مردم را از تر تمام مصائب موجود نجات دهد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع منافع طبقه کارگر ایران و از موضع این طبقه مدافع منافع عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده است و هدف نهایی خود را برقراری سوسیالیسم و ایجاد جامعه‌ای را از هرگونه

ستم و استثمار قرار داده است، تنها جریانی است که علیه تمام جریانات ارتجاعی و تمام اپوزیسیونهای ضد انقلابی و برنامهای آنها بپایان خاسته و در مرحله کنونی انقلاب پیگیرانه خواستار تحولات بنیادی و انقلابی و اجرای - فوری برنامه حداقل طبقه کارگر ایران است. حتی سال تجربه پس از قیام به کارگران و زحمتکشان ایران نشان داده است، مادام که قدرت سرمایه‌داران قرار داشته باشد هیچیک از خواسته‌های توده‌های مردم تحقق نخواهد یافت. ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی استقرار فوری حکومت کارگران، معنای آن و برقراری يك دمکراسی سیاسی، دمکراتیک کردن اقتصاد جامعه به نفع توده‌های مردم، اجرای درخواستهای فوری رفاهی توده‌ها و برانداختن سلطه امپریالیسم بعنوان اهداف فوری طبقه کارگر ایران هستیم. دیگر زمان آن رسیده است که کارگران و زحمتکشان ایران با بسی اعتمادی مطلق نسبت به تمام مخالفان بورژوازی رژیم با هر شکل و شمایل و هر امانتی که دارند، اعم از سلطنت طلب، شورای ملی مقاومت و هر داروسته بورژوازی دیگر به مخالفت برخیزند. حول برنامه و اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جامعه را به آستانه فلاکت و توده‌ها را به فقر و سیه‌روزی مطلق سوق داده است، برای يك قیام مجدد بپایان خیزند. سازمان ما طی چهارده سال مبارزه پیگیرانه و مصممانه خود در دفاع از منافع طبقه کارگر و دشمنی با تمامی مرتجعین و سازشکاران، از سبزه‌های روزی که صغیر گلوله فدائیان خلق در سال ۱۳۴۹ سکوت را در جزیره آرامش‌شاه درهم شکست و رسته بر اندام تمامی مرتجعین انداخت تا به امروز نیز اثبات صحت و حقانیت گفتار و کردار ما از قیام تا به امروز علیه رژیم جمهوری اسلامی و تمامی خائنین و فرصت‌طلبان و سازشکاران این شایستگی را کسب نموده است که از اعتماد طبقه کارگر و عموم زحمتکشان استثمار شده و ستمدیده ایران برخوردار باشد. برای این مبناست که ما اعلام می‌کنیم:

اکنون زمان آن فرا رسیده است که طبقه کارگر ایران در پیشاپیش عموم توده‌های زحمتکشان ایران و در اتحاد با معنایان و زحمتکشان شهری رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند و قدرت سیاسی را قبضه نماید و به تمام وضعیت فلاکت‌بار موجود پایان بخشد. این تنها راهی است که بر برابر تمام توده‌های مردم ایران قرار گرفته است.

بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، دمکراسی و آزادی صلح مرفاه اجتماعی و برافتادن سلطه امپریالیسم میسر نیست. جز تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برخاستن به قیام مسلحانه علیه آن راهی برای نجات توده‌های مردم باقی نمانده است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۱۸ بهمن ماه ۱۳۳۳

**اطلاعیه ...**

حکمت و کنترل و نظارت اکثریتی از نیروهای انقلابی موجود کردستان شوید.

پیروز باد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد  
هرچه مستحکم‌تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی  
نابود باد تفرقه و تشتت در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد  
کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۶ بهمن ماه ۱۳۳۳

هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر



۶۵ متر و ۷۵ متر  
بمدت ۴۵ دقیقه پخش می‌شود.  
عین همین برنامه روز بعد ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش می‌شود.  
برای تماس با رادیو "صدای فدائی" می‌توانید با آدرس زیر مکاتبه نمایید.

A. C. A.  
B. P. 43  
94120 Fontenay sous  
Bois France



آثار - ایرفان و مورثان نسبت به تشکیل عوراها ی ده زده و افرادی را بعنوان اعضای آنها منصوب نموده است.



• از این اسفند ۳ پاسداران یک موتوری را نزدیک مرز پشین دنبال می کنند حاصل این کار چیدن ماسین پاسداران و کشته شدن ۲ نفر ( شاید هم بیشتر ) از آنها میشود .

• غایب است که در همین تاریخ هیچکس از افراد مسلح به هم حمله کرده و چند نفر را کشته و دو نفر را زخمی کرده است .

**اخبار ..**

بقیه از صفحه ۱۱

با کمکهای مالی خود

سازمان را یاری رسانید



• از این بهمن ماه ۳ رژیم در منطقه

## عملیات دو ماهه پیشمرگان قهرمان کردستان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومهله برگرفته شده است .

۲۷ آبان تا ۲۷ دی ماه

غنائم بدست آمده	تلفات دشمن	کمیون و کنترل جاده
۱۸۹ جنگ افزار انفرادی	کشته و زخمی ۱۰۶۶	۴۷
۲۵۴ انواع نارنجک	اسرای دشمن ۷۹	۳۱ مین گذاری
۱۱ بی سیم	خونرو منهدم یا مسافره شده ۵۹	۲۱ مقابله در برابر یورش رژیم
۳۴۲۰۰ انواع فشنگ	سلاحهای منهدم شده -	۲۱ حمله به مراکز رژیم در شهرها
۷۸۸ خشاب	مهمات منهدم شده -	۲ خلع سلاح پایگاه
۱۶ جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین	شهادت پیشمرگه ۳۶	۴ مسافره و انهدام تاسیسات
گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین ۳۰	اهالی بی دفاع ۲۸	۳۸ حمله به پایگاهها
پیوستن قریب خوردگان ۵		۱۶۴ جمع
غنائم بدست آمده	تلفات دشمن	کمیون و کنترل جاده
۱۷۰ جنگ افزار انفرادی	کشته و زخمی ۵۸۸	۳۱
انواع نارنجک ۱۲۴ - یک صندوق	اسرای دشمن ۹۷	۳۹ مین گذاری
بی سیم ۸	خونرو منهدم یا مسافره شده ۵۸	۳۷ مقابله در برابر یورش رژیم
انواع فشنگ ۳۷۱۷۰	سلاحهای منهدم شده ۵	۱۲ حمله به مراکز رژیم در شهرها
گلوله آر - بی - جی ۱۴	مهمات منهدم شده ۳۳۳	۳ خلع سلاح پایگاه
جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین ۱۶	شهادت پیشمرگه ۱۹	۲ مسافره و انهدام تاسیسات
گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین -	اهالی بی دفاع ۳۰	۳۶ حمله به پایگاهها
پیوستن قریب خوردگان ۶		۱۶۰ جمع

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

**اطلاعیه:**

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
درباره تکرار درگیریهای حزب  
دمکرات و کومهله در اورامان

صفحه ۲۰

**گرامی باد خاطره فدائی**



رفیق شهید

**دکتر صدیق دیده‌ور**

انسانهای جوامع طبقاتی در بهره‌مندی  
از نعمات مادی با یکدیگر برابر نیستند  
هیچکس نیست که این اختلاف را بتواند انکار  
کند. زیرا ظواهر این اختلاف بقدری فاحش  
است که با مختصر گفت و گزاری هر چند سطحی  
در جامعه میتوان آنرا بعینه مشاهده کرد.

**طبقات چیست؟  
(۱)**

گروهی در بهترین شرایط با بدترین امکانات  
ناتوانی بی‌آنکه دستهای لطیفشان را به  
مختصر کار تولیدی رنج بکنند قدرت و حاکمیت  
دارند ارتش مسلح و دولت‌حاکمی آنان است.  
فانون از آنان پشتیبانی میکند و در معاملات  
اعیان نشین و مناطق خوب آب و هوا زندگی  
می‌کنند.

صفحه ۱۵

**تقویم اسفندماه:**

چهارشنبه ۱ اسفند - عبادت فدائیان خلق  
محمد رحیم سمانی، مهدی اسحاقی ۱۳۴۹  
شهادت فدائی خلق فریدون نجف‌زاده ۱۳۴۹  
دوشنبه ۶ اسفند - شهادت فدائی خلق سعید  
عقیقی ۱۳۵۸  
پنج‌شنبه ۹ اسفند - عبادت فدائیان خلق  
مبا بیژن زاده و بهنام امیری‌وران ۱۳۵۵  
شنبه ۱۱ اسفند - شهادت فدائی کبیر مسعود  
احمد زاده و فدائیان خلق عباس مفتاحی و  
سدالله مفتاحی، سعید احمدزاده، مهدی  
صفحه ۱۳

**کمکهای مالی**

- |            |                         |
|------------|-------------------------|
| ۶۰۰ تومان  | ۳۳۱ غنی محمد زین الدینی |
| ۳۰۰ تومان  | ۶۶                      |
| ۳۰۰ تومان  | شهید صدق                |
| ۶۰۰ تومان  | ۴ - د                   |
| ۳۰۰ تومان  | شهید زین الدینی         |
| ۳۰۰ تومان  | رفقای بجهور             |
| ۲۸۸۰ تومان | رفیق امین نورانی        |
| ۱۴۴۰ تومان | سور                     |
| ۱۴۴۰ تومان | گرمحمد سرودی            |
| ۴۳۲۱ تومان | الف - ۱۹                |
| ۴۳۲۱ تومان | سعید ۲                  |



را بخوانید

**اطلاعیه:**

دومین اطلاعیه کمیته کردستان  
سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران درباره اقدامات جهت  
جلوگیری از گسترش درگیریهای  
اخیر اورامان

صفحه ۱۴

**رفیق کاظم**



**رفیق نظام**



**رفیق هادی**



**گرامی باد خاطره**

**شهدای**

کمیته مرکزی سازمان

چریکهای

فدائی خلق ایران

**گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق**